





## فهرست مطالب

۳	رزق حقیقی و غیر حقیقی.....
۳	دستورات دین، عامل جهت گیری به سوی عالم غیب.....
۴	هماهنگی سخن امامان با عقل روحانی انسان‌ها.....
۴	تصحیح نسبت خود با سخن معصومین.....
۵	رزقی که به دنبال توست.....
۵	تحلیل‌های غلط نسبت به فقر و ثروت.....
۶	پنج غنیمت در زندگی.....
۶	جایگاه دارایی‌ها.....
۷	زشتی التماس فقیران و تکبر ثروتمندان.....
۸	<b>جایگاه اعتماد به سخنان ائمه معصومین در رزق.....</b>
۸	رزق هر کس به وقتش می‌رسد.....
۸	نداشتن‌ها بسیار است، از داشتن‌ها استفاده کن.....
۱۰	رهنمودی بزرگ و چاره‌ساز.....
۱۱	چیزی را تضمین کرده و چیزی را بر عهده تو گذارده‌اند.....
۱۲	زیبایی‌های کفاف.....
۱۲	<b>رزق فردای نیامده.....</b>
۱۲	جایگاه رزق در زندگی.....
۱۳	استغفار، عامل ریزش رزق.....
۱۳	صدقه، عامل نزدیکی رزق.....
۱۴	ریشه سختی در زندگی.....
۱۴	بصیرتی زیبا.....
۱۴	غم فردا نشاید خوردن امروز.....
۱۵	غم‌های پوچ.....
۱۵	مثل آتشفشان، فعال و مثل دریا، آرام.....
۱۶	معنی خوب امتحان دادن.....
۱۸	<b>مقدّرات حکیمانه، بستر تعالی انسان‌ها.....</b>
۱۸	رزق؛ هدف زندگی نیست.....
۱۸	برکات انتظار گشایش.....
۱۸	تقدیرهای متفاوت، زمینه‌های امتحان.....



- ۱۹..... تعالی در دلِ تقدیرات.....
- ۲۰..... آزادی از وْهم.....
- ۲۲..... **زندگی، ماوراء وسعت و تنگی رزق.....**
- ۲۲..... تدبیر الهی، نحوه آرمانی زندگی ما.....
- ۲۲..... غفلت از رزقِ مقدر، عامل قتل فرزندان.....
- ۲۳..... زنده بودن یا زندگی کردن.....
- ۲۴..... برکات کفاف در رزق.....
- ۲۶..... روش جدید قتل فرزندان.....
- ۲۸..... نشانه‌های محبت خدا.....
- ۲۹..... ریشه پریشانی زندگی‌ها.....
- ۲۹..... رزق حرام، همان رزقِ توست که آن را حرام کردی.....
- ۲۹..... نتیجه هلاکت بارِ فخر.....
- ۲۹..... راه امیدواری.....
- ۳۰..... عبرتی بزرگ.....
- ۳۱..... قناعت؛ نشانه عقل.....
- ۳۱..... هشدار که خزینه‌دار دیگران نباشی.....
- ۳۲..... طلب رزق سنت است.....
- ۳۲..... دفن استعدادها.....
- ۳۳..... آسایش دو گیتی.....
- ۳۳..... هر حلالی را حرامی است.....
- ۳۴..... تحرکی با نشاط.....
- ۳۴..... خداوند از ما به ما عاشق‌تر است.....
- ۳۴..... سخن آخر؛ فوق فقر و غنی.....
- ۳۶..... گفتاری از حجج الاسلام والمسلمین قرآنتی.....
- ۳۷..... رزق مادی و معنوی.....
- ۳۸..... استعدادها مبنای تقسیم رزق.....
- ۳۹..... میزان رزق تحت تاثیر ایمان و گناه.....



## رزق حقیقی و غیر حقیقی

حضرت امام‌الموحّدین علی (علیه السلام) در ادامه نصایح و دستورالعمل‌های خود در نامه ۳۱ به فرزندشان امام‌حسن (علیه السلام) فرازی مهم را در تحلیل جایگاه رزق در زندگی انسان گشودند که بصیرت‌های بسیاری برای نجات از حيله‌های شیطان و قدم در سلوک الی‌الله، در آن نهفته است. حضرت می‌فرماید:

(وَأَعْلَمُ يَا بُنَيَّ! أَنَّ الرِّزْقَ رِزْقَانِ: رِزْقٌ تَطْلُبُهُ وَ رِزْقٌ يَطْلُبُكَ)

(فَإِنَّ أَنْتَ لَمْ تَأْتِهِ آتَاكَ مَا أَقْبَحَ الْخُضُوعِ عِنْدَ الْحَاجَةِ وَالْجَفَا عِنْدَ الْغِنَى)

(إِنَّ لَكَ مِنْ دُنْيَاكَ، مَا أَصْلَحْتَ بِهِ مَثْوَاكَ)

(وَإِنْ جَزَعْتَ عَلَيَّ مَا تَفَلَّتَ مِنْ يَدَيْكَ فَاجْزَعْ عَلَيَّ كُلَّ مَا لَمْ يَصِلْ إِلَيْكَ)

ای فرزندم! بدان که رزق، دو رزق است: رزقی که تو به دنبال آن هستی و رزقی که آن به دنبال تو است، که رزق نوع دوم طوری است که اگر هم به سوی آن نروی، به سوی تو می‌آید. چه زشت است فروتنی به هنگام نیاز و ستم‌کاری به هنگام بی‌نیازی. دنیای تو برای تو همان قدر است که قیامتت را اصلاح کند و اگر به جهت آنچه از دستت رفته نگران و ناراحت هستی، پس نگران باش برای همه آنچه در دست نداری.

### دستورات دین، عامل جهت‌گیری به سوی عالم غیب

بعد از آن که حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) به فرزندشان توصیه کردند، از عواملی که تو را گرفتار خودت می‌کند برحذر باش. می‌فرمایند: یکی از عوامل گرفتاری انسان به خودش و غفلت از خدا، نگرانی از رزق است، و در این فراز به این نکته می‌پردازند.

در همین رابطه رسول‌خدا (صلی الله علیه وآله) می‌فرماید: «إِنَّ الرِّزْقَ لِيُطَالِبُ الْعَبْدَ أَكْثَرَ مِمَّا يَطْلُبُهُ أَجَلُهُ»<sup>۱</sup> یعنی؛ رزق انسان در جستجوی اوست، پیش از آن که اجلس به دنبال اوست. و نیز از پیامبر (صلی الله علیه وآله) داریم: «أَنَّهُ قَالَ لَوْ أَنَّ عَبْدًا هَرَبَ مِنْ رِزْقِهِ لَاتَّبَعَهُ رِزْقُهُ حَتَّى يَدْرِكَهُ كَمَا أَنَّ الْمَوْتَ يَدْرِكُهُ»<sup>۲</sup>. یعنی؛ حتی اگر بنده خدا از رزقش فرار هم بکند، رزقش او را دنبال می‌کند تا به او برسد، همان‌طور که مرگ، انسان را دنبال می‌کند تا به او برسد.

سخن امیرالمؤمنین (علیه السلام) به فرزندشان این بود؛ یک رزق است که به سراغ تو می‌آید و یک رزقی هم هست که به سراغ تو نمی‌آید، هر چند هم به دنبالش بدوی، به آن

۱. نهج‌الفصاحه، حدیث شماره ۶۳۰.

۲. مستدرک‌الوسائل، ج ۱۳ ص ۳۱.





تو با عقل جستجوگر و چون و چرا، تلاش کن بفهمی این کلمات مربوط به امام معصوم است ولی وقتی مطمئن شدی گوینده‌اش معصوم است، دیگر آن عقل را کنار بگذار و عقل قدسی را بگیر که آن عقل به جای چون و چرا، آن کلمات را می‌بلعد. با پرورش عقل قدسی به مقامی می‌رسی که وقتی سخنان معصومین (علیهم السلام) را می‌شنوید، دیگر مقاومت در مقابل دستورات آن‌ها برایتان معنی نمی‌دهد. اگر می‌بینید پیامبر خدا «صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ» این همه تسلیم حق است، چون آن همه عاقل است. فکری برای خود بکنید که وقتی با دستورات امامان روبه‌رو می‌شوید، چطور عمل کنید. هنر داشته باشید، حرف معصوم را بپذیرید.

### رزقی که به دنبال توست

عنایت داشتید که حضرت فرمودند: دو نوع رزق هست، یک‌نوع رزقی که تو به دنبال آن می‌دوی و برای تو مقدر نشده است و بدون آن که به آن محتاج باشی، حرص تو دنبال آن است و در عین این که در طلب آن هلاک می‌شوی هرگز به دست نمی‌آوری - چون اصلاً مال تو نیست - یک نوع رزق دیگر هم هست که خدا برایت مقدر کرده است و آن به دنبال تو است تا خودش را به تو برساند، و هیچ‌کس هم نمی‌تواند آن را از تو بگیرد.

خداوند در قرآن می‌فرماید: «مَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا!»؛ هیچ جنبنده‌ای نیست جز این که رزقش بر خدا واجب است. یعنی آن رزق حقیقی که خداوند برای جنبنده‌ها تقدیر کرده، طوری است که خداوند برای خود واجب کرده است که آن را به موجودات برساند، پس آن رزق که خدا تقدیر کرده است تو را می‌جوید تا به تو برسد.

آن رزق مقدر را کسی نمی‌تواند از تو بگیرد، تلاش اضافه هم آن را اضافه نمی‌کند، ولی این در صورتی است که تو با حالت معمولی عمل کنی. حضرت دارند با آدم حرف می‌زنند، می‌گویند: خودت را ذلیل رزق نکن، نفرمودند اصلاً تحرک نداشته باش و برنامه‌ریزی نکن و از حالت یک انسان معمولی هم خارج شو.

### تحلیل‌های غلط نسبت به فقر و ثروت

حضرت در ادامه نصیحت‌شان به امام‌حسن (علیه السلام) می‌فرمایند: «مَا أَقْبَحَ الْخُضُوعَ عِنْدَ الْحَاجَةِ»؛ یعنی با این توصیف، چقدر زشت است در موقع نیاز، انسان خود را خوار کند. چون آن رزقی که بناست برای تو بیاید که می‌آید و آن رزقی هم که برای تو مقدر نشده که نمی‌آید، پس چرا خود را در مقابل اهل دنیا، خوار و ذلیل می‌کنی؟ با توجه به این که وقتی خودت را در مقابل صاحبان ثروت سبک و ذلیل می‌کنی، رزقت اضافه نمی‌شود، پس چه جای چنین کاری؟! پس از آن که فرمودند: چه زشت است در موقع نیازمندی، انسان خود را ذلیل کند، می‌فرمایند: «وَالْجَفَا عِنْدَ الْغِنَا»؛ و چه زشت است ستمکاری به هنگام بی‌نیازی!

چون فکر کرده‌ای آنچه به تو رسیده است خودت به دست آورده‌ای، نمی‌فهمی که آنچه به‌عنوان رزق فعلا در اختیار توست، خداوند این چنین مقدر کرده است تا در این شرایط امتحان بدهی، فکر می‌کنی تو خودت به دست آورده‌ای و مال تو است.

### پنج غنیمت در زندگی

امام باقر (علیه السلام) به جابر بن یزید جعفی نصیحت می‌کنند که «یا جابر! اغْتَنِمْ مِنْ أَهْلِ زَمَانِكَ خُمْسًا»؛ پنج چیز را در رابطه با مردم زمانه غنیمت شمار: «إِنَّ حَضْرَتَ لَمْ تُعْرِفْ»؛ اگر در مجلسی حاضر بودی و تو را نشناختند. «وَ إِنْ غِيبَتْ لَمْ تُفْتَقِدْ»؛ و اگر از جلسه خارج شدی و به دنبال نبودند. «وَ إِنْ شَهِدْتَ لَمْ تُشَاوِرْ»؛ و اگر در جلسه بودی و از تو نظر نخواستند. «وَ إِنْ قُلْتَ لَمْ يَقْبَلْ قَوْلَكَ»؛ و اگر نظر دادی و نظرت را نپذیرفتند. «وَ إِنْ حَاطَبْتَ لَمْ تُرَوِّجْ»؛ و اگر خواستگاری کردی و جواب رد دادند. این پنج حالت را غنیمت بشمار، نه این که از آن‌ها ناراحت شوی، چون امام (علیه السلام) می‌خواهند که ارزش‌های اهل دنیا برای ما ملاک کمال و خواری قرار نگیرد. مگر تو در این دنیا نیامده‌ای که عبودیت خود را تقویت کنی، سراسر این دنیا امتحان است برای اظهار عبودیت.

امام باقر (علیه السلام) می‌خواهند ما متوجه شویم قواعدی در این عالم جاری است که محرومیت‌های دنیایی، حقیقتاً محرومیت نیست. لذا می‌فرمایند: آنها را غنیمت بشمار. پس نمی‌شود گفت فقر نشانه حقارت و ثروت نشانه بزرگی است.

### جایگاه دارایی‌ها

حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) باب گرانقدری را نسبت به ثروت باز نمودند که می‌فرمایند: «چه زشت است خواری در هنگام نیاز، و ظلم هنگام ثروت» و سپس در یک جمله فوق‌العاده نورانی می‌فرمایند: «إِنَّ لَكَ مِنْ دُنْيَاكَ، مَا أَصْلَحْتَ بِهِ مَثْوَاكَ وَ إِنْ جَزَعْتَ عَلَيَّ مَا تَفَلَّتْ مِنْ يَدَيْكَ فَاجْزَعْ عَلَيَّ كُلَّ مَا لَمْ يَصِلْ إِلَيْكَ»؛ ای پسر من! دنیای تو برای تو همان قدر است که قیامتت را اصلاح کند و اگر به جهت آنچه از دستت رفته نگران و ناراحت هستی، پس نگران باش برای همه آنچه در دست نداری.

اگر خداوند ما را در این دنیا ننگه دارد، کار لغو کرده است. پس حتماً ما را برای ابدیت خلق کرده است، پس باید رزق مناسب اصلاح ابدیت ما را به ما برساند و لذا حتماً به ما رزق می‌دهد و حتماً هم به ما آن رزق مناسب ابدیت را می‌رساند. ثروتی که ما را از ابدیت باز کند، رزق ما نیست. خداوند آن رزقی که ما را به ابدیت بکشاند و قیامت ما را اصلاح بکند، حتماً به ما می‌رساند و حضرت می‌فرمایند: پس حرص و غصه ندارد، چون رزق حقیقی تو آنی است که قیامت تو را برای تو اصلاح کند و این رزق مطمئناً همواره نزد تو است، مواظب باش از این مسئله مهم غفلت نکنی.

۱. تحف العقول، قسمت روایات امام باقر، حدیث اول.



مردم اکثراً ثروت غیر حقیقی را می‌خواهند. مثلاً اگر لباس برای آن است که اولاً: وسیله کرامت و عزت من باشد، ثانياً: مرا از گرما و سرما حفظ کند، این لباس در واقع ثروت حقیقی من است، اما اگر می‌خواهم با لباس توجه شما را به خودم جلب کنم، دیگر این رزق حقیقی من نیست و نه تنها به وسیله آن، ابدیت خود را آباد نکرده‌ام، بلکه ابدیتم را خراب کرده‌ام.

پولی که بتوانی با آن یک زندگی ساده فراهم کنی و آن زندگی را بستر معرفت و عبادت حق قرار دهی، برای مفید است، اما اگر پول زیادی برایت بیاید که دیگر به این خانه و این نوع غذا راضی نشوی و عملاً پولی باشد که فرصت عبادت را از تو بگیرد، در واقع پول اولیهای که فرصت بود برای آبادانی قیامت، با پول اضافه از بین می‌رود. خلاصه این که رزق حقیقی شما، شما را نجات می‌دهد، ولی آنچه رزق حقیقی شما نیست، شما را از بین می‌برد.

### زشتی التماس فقیران و تکبر ثروتمندان

عده‌ای چون به خود مال ارزش داده‌اند خودشان را در مقابل ثروت و ثروتمندان ذلیل می‌کنند، در حالی که بنا نیست ما با التماس به دیگران رزق خود را به دست آوریم و نیز چه زشت است کسی فکر کند آنچه در اختیار دارد مال خودش است و متکبرانه جهت دادن مقداری از آن به مردم، اجازه دهد به او التماس کنند.

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام): قَالَ لَيْسَ مِنْ نَفْسٍ إِلَّا وَقَدْ فَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهَا رِزْقَهَا خَلالاً يَأْتِيهَا فِي عَافِيَةٍ وَ عَرَضَ لَهَا بِالْحَرَامِ مِنْ وَجْهِ آخَرَ فَإِنَّ هِيَ تَنَالَتْ شَيْئاً مِنَ الْحَرَامِ قَاصِهَا بِهِ مِنَ الْحَلَالِ الَّذِي فَرَضَ لَهَا<sup>۱</sup>.

یعنی؛ هیچ‌کس نیست مگر این که خدای عز و جل برای او رزق حلالی در عین سلامت و عافیت، فرض کرده و در عرض هر رزق حلالی، از جهت دیگر، رزق حرامی را قرار داده، پس اگر آن شخص چیز حرامی را به دست آورد، از آن حرام برایش از رزق حلال کم می‌گذارد.

ما نمی‌دانیم رزقمان از چه راهی می‌رسد، ولی می‌دانیم که در مقابل خداوند یک آدابی بر عهده ما هست که باید دائم رابطه خودمان را با خدا حفظ کنیم، همچنان که یک آدابی نسبت به خود داریم، و یک آدابی نسبت به خلق. عاقل باید از طریق رعایت این آداب در زندگی، بیشترین بهره را بگیرد. معلوم است که خدا ما را بی‌رزق نمی‌گذارد، حالا اگر ما از این زاویه نگاه کنیم که رزقی داریم که به دنبال ما می‌آید و برای ما مقدر شده است، آیا باز خودمان را در هیچستان خیال و وهم، خسته می‌کنیم؟ وقتی متوجه شدیم رزق حقیقی ما به دنبال ما می‌آید، از این به بعد به دنبال وظیفه‌مان نسبت به خلق خدا هستیم و سعی در آسایش مردم داریم تا از این طریق جامعه را رشد دهیم، در این حالت است که می‌گوییم جامعه رشد کرده، چون شرایط تعالی معنوی در کنار رفاه اقتصادی برای افراد فراهم شده است. در توسعه، «حرص» عامل حرکت است. فرق سیاست‌های خلیفه دوم و امیرالمؤمنین



علی (علیه السلام) در کشورداری در همین بود که خلیفهٔ دوم دنبال توسعه بود و علی (علیه السلام) دنبال رشد و تعالی جامعه بود.

سخن خود را با این حدیث پیامبر خدا (صل الله علیه و آله) ختم می‌کنیم که می‌فرمایند: «أَطْلُبُوا الْخَوَائِجَ بَعْدَ الْعِزَّةِ الْاَنْفُسِ، فَإِنَّ الْأُمُورَ تُجْرَى بِالْمَقَادِيرِ»<sup>۱</sup> یعنی؛ با عزت نفس به دنبال حوائج و نیازهای خود بروید، چرا که امور زندگی‌تان بر اساس مقدرات الهی جریان دارد و با خوار و زبون کردن خود، بیش از آنچه مقدر شما است به شما نمی‌رسد.

## جایگاه اعتماد به سخنان ائمه معصومین در رزق

### رزق هر کس به وقتش می‌رسد

حضرت علی (ع) می‌فرمایند: در رزق اولی که تو به دنبال آن می‌دوی، هلاکت خودت را در آن می‌یابی، چون هر چه بیشتر به دنبال آن بگردی، کمتر به آن دست می‌یابی و عملاً حاصل کار تو پوچ خواهد بود. ولی رزق دومی آنچنان است که تا تو را نیابد، تو را رها نمی‌کند. تو را همواره دنبال می‌کند، چون آن رزق را خدا برای تو مقدر کرده است. و نیز از امام صادق (علیه السلام) داریم که: «لَوْ كَانَ الْعَبْدُ فِي جُحْرٍ لِأَتَاهُ رِزْقُهُ فَأَجْمَلُوا فِي الطَّلَبِ»<sup>۲</sup>. یعنی؛ اگر بنده‌ای در سوراخی باشد رزق او به او خواهد رسید، پس در طلب آن حریص نباشید.

### نداشتن‌ها بسیار است، از داشتن‌ها استفاده کن

حضرت در یک جمله فوق‌العاده اساسی جایگاه رزق را در زندگی تعیین کردند تا زندگی بازیچهٔ رزق ما نشود، بلکه رزق وسیله و ابزار کار اصلی ما قرار گیرد، فرمودند:

«إِنَّ لَكَ مِنْ دُنْيَاكَ، مَا أَصْلَحْتَ بِهِ مَثْوَاكَ وَإِنْ جَزَعْتَ عَلَيَّ مَا تَفَلَّتَ مِنْ يَدَيْكَ فَاجْزَعْ عَلَيَّ كُلَّ مَا لَمْ يَصِلْ إِلَيْكَ»، از دنیا آن قدرش مال توست که به کمک آن قیامتت را که جایگاه اصلی توست، اصلاح کنی و اگر نسبت به آنچه از دست داده‌ای، نگران هستی، پس باید نگران باشی نسبت به آنچه هنوز به دست نیآورده‌ای.

حضرت می‌خواهند ما را متوجه آن رزقی بکنند که فعلاً در دست داریم و ما را نسبت به دو حالت وهمی گذشته و آینده، آزاد نمایند؛ نسبت به آنچه از دست داده‌ایم و نسبت به آنچه به دست نیآورده‌ایم، و ذهن ما را نسبت به هر دوی آن‌ها آزاد کنند تا بتوانیم به وظیفهٔ اصلی خود بپردازیم و متوجه باشیم آنچه در دست داریم برای آباد کردن قیامت کافی است.

۱. نهج‌الفصاحه، حدیث شماره ۳۲۵.

۲. مستدرک‌الوسائل، ج ۱۳، ص ۲۸.



بدون تحلیل صحیح نسبت به رزق، آن هم تحلیلی که از طریق انسان‌های بی‌خطا یعنی معصومین به ما رسیده باشد، همواره سرگردان خواهیم بود. به عنوان مثال؛ وقتی در بیابان برهوتی هستیم که هیچ شاخصی در آن جا نیست، یعنی چیزی نیست که دوری و نزدیکی مان را با توجه به آن مشخص کنیم، باید بگردیم یک شاخص پیدا کنیم تا موقعیتمان از دستمان نرود. در برهوت دنیا و در بیابان پر از فکرهای گوناگون در مورد رزق، بهترین راه این است که حرف امام معصوم (علیه السلام) را بگیرد و بقیه افکار و اعمال را با آن ارزیابی کنید، تا همه عمرمان در نگرانی از رزق تمام نشود.

اگر در حال حاضر که چند ساعت از شب گذشته است، کسی بگوید هم‌اکنون شب است و دیگری اشکال کند اگر شب است، چرا من شما را می‌بینم؟! آیا درست است که طرف بگوید: بیخسید پس روز است؟! یا باید اشکال را جواب بدهید و بگویید علت این که مرا می‌بینی این است که چراغ روشن است. در مورد حرف امام معصوم هم موضوع همین‌طور است، مگر می‌شود با اندک اشکالی که در مورد رزق آن‌طور که امام مطرح می‌کنند، برایمان پیش می‌آید، از حرف امام معصوم (علیه السلام) عقب‌نشینی کرد، اگر در ابتدای امر که امثال بنده با سخن امام معصوم روبه‌رو شدم، تجزیه و تحلیل با آن حرف منطبق نبود، منطقی است که تجزیه و تحلیل خود را - که عموماً به وهمیت آغشته است - عوض کنم، بعد با تبعیت از سخن امام، به خوبی می‌فهمم که مبانی من اشکال دارد که غلط تجزیه و تحلیل می‌کنم.

این توصیه‌ای را که امام می‌فرمایند، برای آن است که حرص زنی، و عمرت را فقط صرف دنیا نکنی و دنیا را آنچنان تنگ نپنداری که فکر کنی تمام عمرت را باید صرف کنی که فقط نان و مسکنی به دست آوری، بعد هم بمیری و از کار مهم‌تری که خداوند بر عهده‌ات گذارده غافل بمانی. پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) در همین رابطه می‌فرمایند: «أَغْنَى النَّاسَ مَنْ لَمْ يَكُنْ لِلْحَرِصِ أُسَيْراً»<sup>۱</sup> یعنی؛ بی‌نیازترین مردم کسی است که اسیر و گرفتار حرص نباشد.

گاهی ثروت‌های شما فرصت‌های تعالی و انس با خدا را از شما می‌گیرد. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در این رابطه می‌فرمایند: «مَا قَلَّ وَ كَفَى حَيْرًا مِمَّا كَثُرَ وَ الْهَى؟»<sup>۲</sup> یعنی؛ اندکی از رزق که تو را کفایت کند، از زیادی ثروت که تو را به بطالت آورد، بهتر است. حرص برای شما چیزهایی از اموال دنیا پیش می‌آورد که مزاحم شماست. در طرف مقابل هم در دعا می‌خوانیم: «خدایا! فقیرم نکن» این دعا به معنای این است که خدایا! طوری نکن که اسیر رزق بشوم. پس باید از سخن امام معصوم استفاده کنیم و نگذاریم زندگی تماماً تحت‌تأثیر رزقمان باشد و بدانیم مسئله رزق ظرائفی دارد که می‌توان از طریق سخنان امام معصوم متوجه آن ظرائف شد.

۱. نهج‌الفصاحه، حدیث شماره ۳۸۰.

۲. نهج‌الفصاحه، حدیث شماره ۲۷۰۴.

## رهنمودی بزرگ و چاره‌ساز

امام صادق (علیه السلام) از قول امیرالمؤمنین (علیه السلام) در کتاب کافی می‌فرماید:

«اعْلَمُوا عِلْمًا يَقِينًا أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَمْ يَجْعَلِ لِلْعَبْدِ وَ إِنْ اِشْتَدَّ جَهْدُهُ وَ عَظُمَتْ حِيلَتُهُ وَ كَثُرَتْ مَكَايِدَتُهُ أَنْ يَسْبِقَ مَا سَمَى لَهُ فِي الذِّكْرِ الْحَكِيمِ وَ لَمْ يَجْعَلِ مِنَ الْعَبْدِ فِي ضَعْفِهِ وَ قَلَّةِ حِيلَتِهِ أَنْ يَبْلُغَ مَا سَمَى لَهُ فِي الذِّكْرِ الْحَكِيمِ أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّهُ لَنْ يَزِدَادَ أَمْرٌ نَفِيرًا بِحَدِّقِهِ وَ لَمْ يَنْتَقِصْ أَمْرٌ نَفِيرًا لِحَمَقِهِ فَالْعَالِمُ لِهَذَا الْعَامِلِ بِهِ أَعْظَمُ النَّاسِ رَاحَةً فِي مَنْفَعَتِهِ وَ الْعَالِمُ لِهَذَا التَّارِكِ لَهُ أَعْظَمُ النَّاسِ شِعْلًا فِي مِصْرَتِهِ وَ رَبٌّ مُنْعَمٌ عَلَيْهِ مُسْتَدْرَجٌ بِالْإِحْسَانِ إِلَيْهِ وَ رَبٌّ مَعْرُورٌ فِي النَّاسِ مَمْنُوعٌ لَهُ فَافْقُ أَيُّهَا السَّاعِي مِنْ سَعْيِكَ وَ قَصِرْ مِنْ عَجَلَتِكَ وَ أَنْتَبِهْ مِنْ سِنَةِ غَفْلَتِكَ وَ تَفَكَّرْ فِيمَا جَاءَ عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى لِسَانِ نَبِيِّهِ (صل الله عليه وآله)».

«یقین بدانید که بنده هر چه سخت کوشش کند و چاره‌اندیشی‌های بزرگ و نقشه‌های فراوان به کار برد، خدا چنین قراری نگذاشته که وی از آنچه در «ذکر حکیم» برایش مقدر شده، پیشی گیرد.»

«ذکر حکیم» آن علم الهی است که بر اساس آن، خداوند به فکر بندگانش بوده و برای هر کس رزق خاص مربوط به آن شخص را تعیین فرموده است، برای همین هم تکلیف هر روزه ما را برای ما تعیین کرده‌اند، می‌فرمایند: ۸ ساعت کار، ۸ ساعت عبادت، ۸ ساعت استراحت. هر که بیش از این برای طلب رزق تلاش بکند، خودش را خسته کرده و از عبادات و مطالعاتش محروم شده است.

در ادامه آن حدیث می‌فرماید:

«ای مردم! هرگز کسی را بر اثر هوشی که دارد پیشیزی افزون ندهند و احدی را به خاطر حماقتش کم ندهند. پس هر کس این را بداند و بدان عمل کند از همه مردم آسوده‌تر بوده و سود برد، ولی کسی که این را بداند و عمل نکند گرفتاری و ضرر او بیش از همه مردم است. چه بسا شخصی که نعمت فراوان به او داده‌اند ولی همین احسانی که به او شده باعث درهم کوبیدن اوست و چه بسا مردمی که در بین مردم فریب خورده‌اند، ولی در عین حال کارشان هم درست شده‌است. پس ای مرد کوشا! در کوشش خود پرهیزکار باش، و از عجله خود کم کن و از خواب غفلت خود بیدار شو و در آنچه که از طرف خدا بر پیغمبر (صل الله علیه وآله) نازل شده فکر کن.»

می‌فرمایند: «احدی را به خاطر سادگی‌اش کم ندهند»؛ یعنی نه افراد زرنگ بیشتر از رزقی که برایشان مقدر شده نصیبشان می‌شود و نه افراد ساده، کمتر از آنچه برایشان

مقدر شده بهره می‌برند،

بعد می‌فرمایند: «کسی که این را بدانند و عمل نکنند، گرفتاری و ضرر او بیش از همه مردم است»؛ چون راه و روش بسیار پرازشی را زیر پا گذارده و گوهر پر قیمتی را به دور انداخته است، آیا این ضرر بزرگی نیست؟ انسان‌های جدا شده از چنین فرهنگی، حریص‌اند و اسم آن را تلاش و زرنگی می‌گذارند. این‌ها فراموش کرده‌اند که رسول خدا (صل الله علیه وآله) فرمود: ای فرزند آدم! «هر روز رزق تو می‌رسد و باز تو نگران هستی، و هر روز از عمر تو می‌رود و خوشحالی می‌کنی؟»<sup>۱</sup> دارایی ثروت غیر از تأمین رزق است، همان‌طور که فقر غیر از گرسنگی است. خداوند بنده‌اش را بدون رزق نمی‌پسندد، هر چند ممکن است بنا به مصلحتی به ظاهر او را فقیر نماید. رسول خدا (صل الله علیه وآله) می‌فرماید: «ما زُوِيَتِ الدُّنْيَا عَنْ أَحَدٍ إِلَّا كَانَتْ خَيْرًا لَهُ»<sup>۲</sup>؛ یعنی دنیا از کسی گرفته نشد مگر آن که خیر وی در آن باشد. پس آن قسمت از دنیا را از او می‌گیرند که به نفع او نبوده است.

دارایی‌ها تکلیف‌آور و مسئولیت‌زا است، اشتباه از آن‌جا ناشی می‌شود که عده‌ای دارایی‌ها را رزق خود می‌گیرند و در نتیجه وظیفه‌شان را نسبت به ثروت‌ها انجام نمی‌دهند. فقر هم امتحان است، هر چند ممکن است بعضی‌ها به دست ما فقیر شوند، در این حالت فقر برای آن‌ها امتحان و عمل ما هم برایمان عامل عقوبت می‌شود. حضرت در ادامه می‌فرمایند:

«چه بسا شخصی که نعمت فراوان به او داده‌اند ولی همین احسانی که به او شده باعث در هم کوبیدن اوست، و چه بسا مردمی که در بین مردم فریب‌خورده ولی در عین حال کارشان هم درست شده است.» در آخر این روایت می‌فرمایند:

«ای انسان کوش! در کوشش خود پرهیزگار باش و از عجله خود کم کن و از خواب غفلت بیدار شو و در آنچه که از طرف خدا بر پیامبر نازل شده فکر کن!»<sup>۳</sup>

### چیزی را تضمین کرده و چیزی را بر عهده تو گذارده‌اند

ای مردم! بعضی مردند، ولی مالی را که باید به بقیه می‌دادند و حق بقیه بود، ندادند و حالا در تنگنای قبر، گرفتار آن هستند. حضرت علی (علیه السلام) در خطبه ۱۱۴ تذکر خوبی دارند، می‌فرمایند: «قَدْ تَكْفَلَ لَكُمْ بِالرِّزْقِ وَ أَمَرْتُمْ بِالْعَمَلِ»؛ یعنی؛ خداوند روزی شما را ضمانت کرده و شما را به کردار و اعمال خداپسند امر کرده است. کاری به عهده خود گرفته و کاری را به عهده شما گذاشته، آنچه خود به عهده گرفته، تأمین رزق شماست و آنچه به عهده شما گذارده، آبادانی قیامتتان است. فرمایش لقمان حکیم در این مورد بسیار کارساز است که می‌فرماید: «ای پسر! کاری را خدا به عهده خود گرفته و کاری را بر عهده

۱. نهج الفصاحه، حدیث شماره ۲۰۸۲.

۲. نهج الفصاحه، حدیث شماره ۲۶۴۲.

۳. اصول کافی، ج ۵، ص ۸۱.





دنیا را خدا طوری خلق کرده باشد که ما اسیر رزقمان باشیم، پس عملاً به بندگی خدا نمی‌رسیم و لذا باید رزق ما را از قبل تأمین کرده باشد تا ما دغدغه رزق نداشته باشیم و به همین جهت اولیاء دین دائماً ما را متذکر این نکته می‌کنند که؛ با حرص بیشتر، رزق بیشتر نصیب شما نمی‌شود، ولی فرصت بندگی خود را از بین می‌برد. پیامبر خدا (صل الله علیه وآله) می‌فرماید: «...إِنَّ الرِّزْقَ لَا يَجْرُهُ حِرْصُ حَرِيصٍ وَلَا يَضْرِفُهُ كِرَاهَةُ كَارِهِ»<sup>۱</sup> یعنی؛ رزق را حرص حریصان افزون نکند و تنفر و ممانعت افراد، نقصانش ندهد.

### استغفار، عامل ریزش رزق

حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌فرماید: «قَدْ جَعَلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ الْإِسْتِغْفَارَ سَبَبًا لِدُرُورِ الرِّزْقِ وَ رَحْمَةً الْخَلْقِ»<sup>۲</sup> یعنی؛ خداوند استغفار را سبب پیوسته داشتن رزق بر رزق خواران و موجب رحمت بر آفریدگان قرار داده است.

حضرت در این فراز از خطبه می‌خواهند این نکته را متذکر شوند که یکی از عوامل تنگ‌شدن رزق، گرایش‌های منفی انسان و افتادن در دام گناهان است. ما در پیروی از تمدن غرب، بدون فرار از گناه و با غفلت از استغفار، به دنبال رفاه و زرق و برق دنیا رفتیم، در نتیجه رزقمان تنگ شد، و به خوبی مشخص است، ریشه تنگی رزق در زمان معاصر، برگشت از خدا و رجوع به دنیا است. ابزاری بعد از ابزاری ساختیم که با تسلط بیشتر بر طبیعت، رزق خود را وسیع کنیم، ولی همین ابزارها به خاطر غفلت از رزاق و امیدواری به ابزارها، چنان رزق را تنگ کرد که می‌بینیم

### صدقه، عامل نزدیکی رزق

حضرت در کلمات قصار نهج‌البلاغه می‌فرماید: «اسْتَنْزِلُوا الرِّزْقَ بِالصَّدَقَةِ»<sup>۳</sup> رزق خود را با صدقه فرود آورید. یعنی می‌توانید کاری بکنید که رزق برایتان سخت و دیردسترس نباشد، بلکه به راحتی در دسترس شما قرار گیرد و آن از طریق صدقه‌دادن ممکن می‌شود. انسان‌ها عموماً فکر می‌کنند با بخل و نگهداشتن مالی که در اختیار دارند، مال و رزق خود را حفظ می‌کنند، ولی امام (علیه السلام) قاعده دیگری را پیشنهاد می‌کنند و می‌فرمایند: از طریق صدقه‌دادن شرایطی در نظام عالم فراهم می‌شود که رزقت را آسان به‌دست می‌آوری، چون بخل، انسان را مادی و دنیایی می‌کند و راه‌های معنوی ایجاد رزق را بر روی او می‌بندد و با صدقه‌دادن، عوامل معنوی موجب می‌شوند که رزق آسان‌تر به‌دست‌آید، همچنان‌که با گناه، عموماً رزق از دسترس انسان‌ها دور می‌شود.

۱. نهج‌الفصاحه، قسمتی از حدیث شماره ۹۲۱.

۲. نهج‌البلاغه، خطبه ۱۴۳.

۳. نهج‌البلاغه، کلمات قصار شماره ۱۳۷.



## ریشهٔ سختی در زندگی

ریشهٔ سخت زندگی کردن، یکی این است که فکر می‌کنیم در این دنیا آمده‌ایم تا فقط رزق درآوریم، در حالی که آمده‌ایم در این دنیا تا بندگی کنیم و خدا رزق ما را به عهده گرفته است و هر چه در بندگی خدا بیشتر همت کنیم، راحت‌تر رزق ما را تأمین می‌کند. خداوند در قرآن می‌فرماید: «مَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا»<sup>۱</sup> یعنی هیچ جنبنده‌ای نیست مگر این که رزق او بر عهدهٔ خدا است. پس وقتی تأمین رزق را به عهده گرفته، معلوم می‌شود که ما را برای کار دیگری خلق کرده است، آن وقت همان خدایی که می‌فرماید: رزق بندگانم را خودم به عهده گرفته‌ام و آن‌ها را برای پول درآوردن خلق نکرده‌ام، می‌فرماید آن‌ها را برای عبادت و بندگی خلق کرده‌ام. البته دوباره عرض می‌کنم به بهانهٔ این که خدا رزق ما را به عهده گرفته، به گوشهٔ خانقاه خزیدن، یعنی از انسانیت دور شدن.

## بصیرتی زیبا

امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «مَنْ رَضِيَ بِرِزْقِ اللَّهِ لَمْ يَحْزَنْ عَلَى مَا فَاتَهُ»<sup>۲</sup> اگر کسی راضی به رزق خدا شد، بر آنچه از دستش رفت آندوهگین نمی‌شود. چون رزق هر کس ثابت است، پس آنچه از دست ما می‌رود، رزق ما نبوده تا جای نگرانی باشد.

برایتان حتماً پیش آمده که غذایی در سفره آماده است که بخورید، ناگهان به شما خبری می‌رسد که مجبور می‌شوید بلند شوید و دنبال کاری بروید، اگر به رزق خود راضی نباشید، غصه می‌خورید که عجب! این همه سختی کشیدیم برای فراهم کردن غذا ولی آخرش نخوردیم و رزق کس دیگری شد، در حالی که تو باید خوشحال باشی که اسباب رزق دیگری شده‌ای و به آن هم باید راضی باشی و مطمئن باشی رزق تو نبوده است و گرنه به دست تو می‌رسید، اصلاً چیزی از دست نداده‌ای، می‌فهمی رزقت نبوده و این نوع تجزیه و تحلیل نسبت به رزق یک بصیرت است که انسان متوجه باشد آنچه از دست او رفته، رزق او نبوده است و به رزق خودش راضی شود که همانی است که در دست اوست، و راه رسیدن به خدا همانی است که در دست اوست، بقیه رهن است و راه ما را منحرف می‌کند.

## غم فردا نشاید خوردن امروز

باز امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «يَابْنَ آدَمَ! لَا تَحْمِلْ هَمَّ يَوْمِكَ الَّذِي لَمْ يَأْتِكَ عَلَى يَوْمِكَ الَّذِي قَدْ آتَاكَ فَإِنَّهُ إِنْ يَكُ مِنْ عُمْرِكَ يَأْتِ اللَّهُ فِيهِ بِرِزْقِكَ»<sup>۳</sup> یعنی ای فرزند آدم! غصهٔ رزق نیامده‌ات را، بر روز آمده‌ات می‌فزا. که اگر فردای نیامده از عمر تو بود، خداوند رزق و روزی تو را در آن روز می‌رساند. پس امروزت را با غم فردایی که نیامده برای خود

۱. سوره هود، آیه ۶.

۲. نهج البلاغه، حکمت ۳۴۹.

۳. نهج البلاغه، کلمات قصار، شماره ۲۶۷.

## سخت نگردان.

مولوی در مثنوی در رابطه با همین موضوع داستان آن گاوی را می‌گوید که هر روز از صبح تا شب در مزرعهٔ سرسبزی می‌چرید و علف‌های آن را می‌خورد و بعد از سر شب تا صبح غصه می‌خورد که فردا چکار کنم! باز فردا با علف‌های از نو سرسبز شده آن مزرعه روبه‌رو می‌شد و تا شب به خوردن آن مشغول می‌گشت و باز از شب تا صبح نگران رزق فردا بود.. مولوی بعد از این که این مثال زیبا را مطرح می‌کند و ما را متوجهٔ ضعف بینش این گاو می‌نماید که چگونه از نظام الهی که همواره در حال فیضان رزق بندگانش است، غافل است. همواره نگران فردایی است که به‌وجود نیامده و لذا از نتیجه‌ای که امروز باید از زندگی خود بگیرد غافل است.

## غم‌های پوچ

حضرت علی (علیه السلام) می‌فرمایند: حالا که متوجه‌ای رزق حقیقی تو به سوی تو می‌آید. «فَلَا تَحْمِلْ هَمَّ سَنَتِكَ عَلَيَّ هَمَّ يَوْمِكَ، كَفَاكَ كُلُّ يَوْمٍ عَلَيَّ مَا فِيهِ»؛ پس غم رزق یک سال خود را بر امروزت تحمیل مکن، که رزق همان روزی که تو در آن هستی، تو را بس است.

اگر می‌خواهید در زندگی کاری بزرگ‌تر از دنبال نان‌دویدن داشته باشید، باید این مسئله را که می‌فرماید غم رزق یک‌سالهٔ خود را بر امروزت تحمیل نکن، برای خود حل کنید. هستند عده‌ای که در عین دینداری معمولی، اسیر رزقند. اگر شما می‌خواهید کاری بزرگ‌تر از کار انسان‌های معمولی انجام دهید و به بزرگی‌ها و اسرار عالم خلقت دست پیدا کنید، باید بتوانید از این انحراف مهم آگاه شوید و حقیقتاً این جمله حضرت را مبنای کار خود قرار دهید که «لَا تَحْمِلْ هَمَّ يَوْمِكَ الَّذِي لَمْ يَأْتِكَ عَلَيَّ يَوْمِكَ»؛ غم آن روزی را که نیامده است بر روح و روان خود تحمیل نکن.

## مثل آتشفشان، فعال و مثل دریا، آرام

دو عامل است که نمی‌گذارد هدایت‌گری‌های امام معصوم (علیه السلام) عمیقاً وارد زندگی ما بشود: یکی جهل به معارف دین، و یکی هم وسوسهٔ شیطان. نمونه وسوسهٔ شیطان این‌که با انواع تردیدها و شبهه‌هایی که در ذهن شما می‌آورد، تلاش می‌کند فرمایش پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) و امامان معصوم (علیهم السلام) در بارهٔ رزق به خوبی فهمیده نشود و عملاً شما را از تصمیمات بزرگ برای زندگی محروم کند. تلاش کنید بفهمید امام چه می‌گوید تا مثل آتشفشان، فعال و مثل دریا، آرام شوید. کسی که این اسرار را بفهمد، نه گوشه‌گیر است و نه ترسو. اگر انسان از جایگاه رزق در هستی آگاه شد و فهمید رابطهٔ رزق او با او چگونه است، شیطان از تأثیر بسیاری از وسوسه‌هایش مأیوس می‌شود.







دادن. پس موضوع اصلی زندگی ما در این دنیا زیادی و کمی مال نیست، موضوع اصلی ما خوب امتحان دادن است. راز کمی و زیادی رزق باید از طریق این سخن حضرت درست در ذهنتان جا بیفتد و مفهوم شود تا نه به صورت منفی و نه به صورت افراطی در مورد آن عمل کنید.

حضرت در انتهای این کلام می‌فرمایند: «وَلَنْ يُبْطِلَ عُنْكَ مَا قَدَّ قَدَّرَ لَكَ»<sup>۱</sup> یعنی؛ تأخیر نمی‌پذیرد آن رزقی که برای تو مقدر شده است. آری؛ اگر فعالیت کردی که رزقت افزون شود، افزون نمی‌شود زحمتت زیاد می‌شود، ولی اگر در بندگی خدا فعالیت کردی، رزقت راحت‌تر و پربرکت‌تر به‌دست می‌آید. دیگر برای به‌دست آوردن رزق، جان نمی‌کنی. در رابطه با تأمین خاص رزق در حدیث قدسی داریم که حضرت حق می‌فرماید: «ضَمِنْتُ لِأَهْلِ الْعِلْمِ أَزْوَاقَهُمْ» یعنی رزق اهل علم را ضمانت کرده‌ام، این ضمانت، ضمانت خاص است، یعنی همان رزقی که برای همه انسان‌ها مقدر شده است برای اهل علم به نحو خاص تضمین شده و آن تضمین خاص این است که به راحتی رزق آن‌ها را می‌رساند.

ما عموماً خودمان را در شرایط اضطراری می‌اندازیم و بعد می‌گوییم چاره‌ای دیگر نداریم. طرف گفته بود: کاری می‌کنم که گربه حلال شود و می‌خورمش. گفتند: چطور! گفت: گربه را در کیسه‌ای می‌اندازم و روی دوشم می‌گذارم و به بی‌راهه می‌روم تا جایی که دیگر پاهایم طاقت رفتن و برگشتن نداشته باشد و در آن جا هیچ‌چیزی هم برای خوردن پیدا نشود، آن وقت باید گربه را بخورم تا از گرسنگی نمیرم و لذا همان گربه را می‌خورم. ما بعضی مواقع برای خودمان همین‌طور برنامه‌ریزی می‌کنیم، خودمان را در تنگناهای بی‌برکتی می‌اندازیم و بعد هم مجبور می‌شویم به احکام و لوازم آن تنگناها تن بدهیم. این تمدن با ما کاری کرده است که همه ما گربه‌خور شده‌ایم. گاومان را فروختیم یا کشتیم، بعد به شهر آمدیم در صف تقسیم شیر پاستوریزه ایستادیم. بعد می‌گوید آقا مگر در این دنیا یک لیتر شیر حقم نیست؟ آری؛ حقت است، ولی از پستان گاو در مزرعه! با آن همه برکت‌های جانبی. ولی شما به جای این که گاو را به صحرا ببری هم شیرش را بخوری و هم با شیر آن بسیاری از نیازهای زندگی‌ات را تأمین کنی، رفاه شهری را خواستی. و از همه مهم‌تر به‌جای این که از آن زندگی و از آن شیر و ماست، روح را در آرامش نگهداری، حالا جسمت به ظاهر آرام ولی دستیابی به رزقت تنگ شده است، در نتیجه به جای آن سختی‌های جسمی در مزرعه، حالا فشارهای روحی جایگزین شده است.

حضرت باقر (علیه السلام) می‌فرمایند: رسول خدا (صل الله علیه وآله) فرمودند که خداوند فرموده<sup>۲</sup>: به عزت و جلال و عظمت و کبریایی و نور و علو و برتری موقعیتیم قسم؛ هرگز بنده‌ای خواست خود را بر خواست من مقدم نمی‌کند مگر آن که امورش را پریشان و دنیایش را به هم ریخته و قلبش را به آن مشغول کرده و از دنیا به او مگر آنچه برایش مقدر کرده‌ام، نمی‌رسانم.

۱. نهج البلاغه، کلمات قصار، شماره ۳۷۹.

۲. اصول کافی، ج ۲ ص ۳۳۵.



و به عزّت و جلال و عظمت و نور و علوّ و برتری مقامم سوگند، هیچ بنده‌ای خواست من را بر خواست خود مقدم نمی‌کند مگر این که ملائکه‌ام او را محافظت می‌کنند و آسمان‌ها و زمین‌ها را کفیل رزقش قرار می‌دهم و برای او برتر از تجارت هر تاجری خواهم بود و دنیا در عین تواضع به سوی او رو می‌آورد.

## مقدّرات حکیمانه، بستر تعالی انسان‌ها

رزق؛ هدف زندگی نیست

حضرت امیر (علیه السلام) فرمودند: ای فرزندم! رزق، تحفه خداست به بنده‌اش، تا بنده خدا بتواند قیامتش را سامان دهد، پس نه تنها به دست آوردن رزق، هدف زندگی نیست، بلکه انسان دائم باید به خودش متذکر باشد که رزق، وسیله و ابزاری است تا قیامت انسان سامان یابد و اصلاح شود. سپس فرمودند: اگر این نکته را در مورد رزقت نفهمی دو حالت پیدا می‌کنی، یا در هنگام ثروتمند بودن ستم می‌کنی و یا در موقع فقر، خوار می‌شوی.

### برکات انتظار گشایش

رسول خدا (صل الله علیه وآله) می‌فرماید:

«إِنْتَظِرُ الْفَرْجَ مِنَ اللَّهِ عِبَادَةً وَ مَنْ رَضِيَ بِالْقَلِيلِ مِنَ الرِّزْقِ رَضِيَ اللَّهُ تَعَالَى مِنْهُ بِالْقَلِيلِ مِنَ الْعَمَلِ»؛ یعنی در امور خود منتظر فرج و گشایش از طرف خدا بودن، نوعی عبادت است و هر کس به رزق کم راضی شد، خداوند نیز به عمل کم او راضی می‌شود.<sup>۱</sup>

### تقدیرهای متفاوت، زمینه‌های امتحان

امام خمینی «رحمة الله علیه» دنبال رزق نبود، ولی شور خدمت به مردم، سراسر قلبش را پر کرده بود و این روحیه جزء فرهنگ توحیدی و سنت دینی همه انسان‌های موحد است. ما فرهنگ توحیدی دنیای گذشته را داریم از دست می‌دهیم. بنده خودم روحیه خدمت‌گزاری را در مؤمنین گذشته دیده‌ام، به عنوان نمونه در خرداد سال ۱۳۴۹ نزدیکی منزل ما، پیرمرد دکان‌داری بود از بقال‌های قدیم که همه‌نوع کالایی داشتند، دیدم نیمه شب شده و او هنوز بیدار است، گفتم؛ چرا نرفته‌اید بخوابید؟ گفت: می‌ترسم کسی نیمه شب دل فرزندش درد بگیرد و شاه‌تره بخوهد و نتواند تهیه کند!! حالا در نظر بگیرید از نظر اقتصادی یک ریال شاه‌تره که از او می‌خریدند شاید هیچ سودی برایش نداشت، ولی روحیه خدمتگزاری او را بیدار نگهداشته بود. شور خدمت به مردم وقتی فرو می‌ریزد که حرص جمع‌آوری مال در جامعه زیاد شود، شور خدمت به مردم در جامعه چیز بسیار خوبی

۱. نهج الفصاحه، حدیث شماره ۵۵۶.



بود، ولی از روزی که نگرانی از رزق جای آن را گرفت، به جمع‌آوری مال تبدیل شد و عملاً جامعه سقوط کرد.

رزق بنا به تقدیر الهی می‌آید، سختی‌اش آنچنان نیست که سبب شود ما از گرسنگی بمیریم، بلکه برای خوب یا بد امتحان دادن است. جنس زندگی روی زمین امتحان است لذاست که حضرت در ادامه می‌فرماید: «و لِيَخْتَبِرَ بِذَلِكَ الشُّكْرَ وَ الصَّبْرَ مِنْ غَنِيِّهَا وَ فَقِيرِهَا» از طریق رزق‌های تنگ یا گشاده، صبر یا شکر بندگان را امتحان می‌کند. ما آمده‌ایم در این دنیا که در سختی‌ها صبر و در راحتی‌ها شکر پیشه کنیم و از این طریق امتحان شویم. سپس می‌فرماید: «ثُمَّ قَرَنَ بَسْعَتِهَا عَقَابِيلَ فَاقْتَهَا وَ بَسَلَامَتِهَا طَوَارِقَ آفَاتِهَا» یعنی؛ خدایی که صاحب این دنیاست این چنین در دنیا برنامه‌ریزی کرده است که در کنار وسعت رزق، تنگی رزق را قرار داده است، به طوری که نه آن چنان در جوانی باید شنگول باشید که فکر کنید اصلاً پیر نمی‌شوید و نه آن چنان در پیری افسوس بخورید که گویا چیزی را از دست داده‌اید.

گاهی در سلامت به مرگ کشیده می‌شوی، گاهی در فقر به غنا و همه این موقعیت‌ها برای ایجاد شرایط امتحان است در همه ابعادی که ما باید امتحان شویم. باید نوع نگاه به زندگی را درست کنیم و عمده آن است که جای رزق را درست بفهمیم تا بتوانیم درست بندگی کنیم و گرنه تمام عمرمان می‌شود دنبال رزق دویدن و ابعاد انسانیمان را که باید متعالی کنیم، لگدمال می‌نماییم.

### تعالی در دلِ تقدیرات

پیامبر خدا (صل الله علیه و آله) می‌فرماید:

«أَطْلُبُوا الْحَوَائِجَ بَعْزَةَ الْأَنْفُسِ، فَإِنَّ الْأُمُورَ تَجْرَى بِالْمَقَادِيرِ»؛<sup>۱</sup> یعنی حوائج و نیازهای خود را همراه با عزت نفس پیگیری و برآورده سازید، چراکه امور عالم بر اساس مقادیر و قواعدی تنظیم شده است.

پس فکر نکنید با تلاش‌های افراطی و خود را به ذلت انداختن، می‌توانید قواعد و مقادیر عالم را به هم بزنید و چیز بیشتری به دست آورید. همچنان که حضرت در جای دیگر می‌فرماید:

«در طلب دنیا معتدل باشید، زیرا به هر کس هر چه قسمت اوست می‌رسد.»<sup>۲</sup>

ریشه همه این سخنان، بصیرتی است که این عزیزان نسبت به تقدیرات و برنامه‌ریزی‌های عالم دارند، هنر ما این است که در برخورد با این جملات از قواعد عالم آگاه شویم و خود را در یک هماهنگی با آن قواعد به‌روانیم و با تمام وجود به آن قواعد و تقدیرات حکیمانه عالم راضی باشیم.

۱. نهج‌الفصاحه، حدیث شماره ۳۲۵.

۲. نهج‌الفصاحه، حدیث شماره ۶۷.





لذا روح خود را لگد مال این فرض بیخود می‌کنی و از امکان تعالی در دنیا محروم می‌شوی و بعد می‌گوییم چرا ما مثل علماء و عرفای بزرگ قلبی که بتواند با خداوند انس داشته باشد نداریم؟!

به این فرمایش امام‌الموحدین (علیه السلام) عنایت بفرمایید که مطلبی است پر از رمز و راز. می‌فرمایند: «كَمْ مِنْ مُتَعَبٍ نَفْسُهُ مُقْتَرٌ عَلَيْهِ وَ مُقْتَصِدٌ فِي الطَّلَبِ قَدْ سَاعَدَتْهُ الْمَقَادِيرُ»<sup>۱</sup> یعنی؛ چه بسیار افرادی که در طلب دنیا نفس خود را به سختی می‌اندازند و با این حال خداوند بر آن‌ها تنگ‌دستی وارد می‌کند، و چه بسیار افراد میانه‌رو و مقتصدی که تقدیرهای الهی به کمکشان می‌آید و با توجه به مقدرات الهی برنامه‌های خود را جلو می‌برند.

پیامبر در فراز دیگر از سخنشان به اباذر می‌فرمایند: «يا اباذر! اسْتَغْنِ بِغَنَى اللَّهِ يُغْنِكَ اللَّهُ. فَقُلْتُ: وَ مَا هُوَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: غَدَاءُ يَوْمٍ وَ عِشَاءُ لَيْلَةٍ، فَمَنْ قَنَعَ بِهَا رَزَقَهُ اللَّهُ فَهُوَ أَعْنَى النَّاسِ».

یعنی؛ ای اباذر! خود را به آن‌چه خدا تو را غنی ساخته، غنی دان. اباذر می‌گوید: عرض کردم آن چیست ای رسول خدا؟ حضرت فرمودند: غذای یک روز و شام یک شب، هرکس قانع شد به رزقی که خداوند به او داده، ثروتمندترین مردم است. این روایت؛ موضوع غنای دروغین را از غنای حقیقی مورد بررسی قرار داده و نقش خیال و آرزوها را در به‌دست آوردن ثروت‌های دروغین روشن می‌کند.<sup>۲</sup>

قرآن در آیه ۶۰ سوره عنکبوت می‌فرماید: «وَوَكَّايْنِ مِنْ دَابَّةٍ لَا تَحْمِلُ رَزْقَهَا اللَّهُ يَرْزُقُهَا وَإِيَّاكُمْ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» یعنی؛ چه بسیار جنبنندگان که رزق خود را حمل نمی‌کنند- مثل پرندگان- و خدا رزق آن‌ها را و شما را می‌دهد، و او شنوا به نیازهای شما و دانا به راه‌های رفع نیازهای شماست.

سپس در آیه بعد می‌فرماید: «وَلَيْنِ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ لِيَقُولَنَّ اللَّهُ فَأَنَّى يُؤْفَكُونَ» یعنی؛ اگر به همین افراد که از رزاق بودن خدا غافل شده‌اند و خود را گرفتار حرص در طلب رزق کرده‌اند بپرسی چه کسی آسمان‌ها و زمین را خلق کرد و انضباط خورشید و ماه را در قبضه خود دارد؟ خواهند گفت: خدا! پس به این‌ها بگو حالا که چنین است این چه تهمت‌ی است که روا می‌دارید و منکر رزاق بودن خدایید و این چنین در طلب رزق سر از پا نمی‌شناسید؟ و لذا در ادامه به عنوان نتیجه‌گیری می‌فرماید: «اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَهُ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» یعنی؛ حالا که متوجه شدید از آن پرنده بدون سرمایه تا شما که سرمایه و زمین و مغازه دارید، همه را خدا رزق می‌دهد، و حالا که متوجه شدید تمام عالم در قبضه قدرت خداوند است، پس بدانید: «اللَّهُ

۱. کافی ج ۵، ص ۸۱.

۲. برای بررسی بیشتر در موضوع فوق به سلسله مباحث شرح حدیث «ای اباذر» جلسات ۹۱ و ۹۲ مراجعه فرمایید.

يَسْتُطِرُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَهُ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» یعنی؛ خدا است که با برنامه‌هایی که دارد هرکس را اراده کرد، رزقش را وسعت می‌دهد و یا محدود می‌کند، چرا که خداوند بر همه چیز دانا است و می‌داند شرایط بندگی هرکس چگونه باید باشد.<sup>۱</sup>

## زندگی، ماوراء وسعت و تنگی رزق

### تدبیر الهی، نحوه آرمانی زندگی ما

رب شما برای زندگی شما از قبل برنامه‌ریزی‌های لازم را انجام داده است، رب کارش پروریدن است، حالا اگر از قبل می‌داند که پروریدن و تعالی شما در رابطه با ایجاد این نوع خاص از شرایط است، همان شرایط را برای شما تدبیر می‌کند. حالا شما طوری زندگی کن که نگاه و عقیده توحیدی‌ات تو را متوجه شرایط پرورش پروردگارت کند. یعنی نظام توحیدی و تدبیر حکیمانانه‌ای که بر اساس آن، رزق یکی را تنگ گرفته و رزق دیگری را وسعت داده است، نه آن که رزقش تنگ است زندگی‌اش از تعادل خارج می‌شود و نه آن که رزقش وسعت دارد قرار است گرفتار ریخت و پاش شود و از تعادل لازم خارج گردد.

### غفلت از رزق مقدر، عامل قتل فرزندان

شیطان می‌خواهد کاری کند که ما در راستای تقدیر الهی و این که مصلحت دیده ما را در تنگی رزق بپروراند، ما خود را فقیر احساس کنیم. کسانی که با شیطان بیشتر رفیق هستند، اگر بیشتر از بقیه هم ثروتمند باشند، بیشتر احساس فقر می‌کنند. قرآن می‌فرماید: «الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يَعِدُكُم مَّغْفِرَةً مِّنْهُ وَفَضْلًا وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ»<sup>۲</sup> یعنی؛ شیطان شما را از فقر می‌ترساند و به فحشاء امر می‌کند، و خدا به شما وعده مغفرت و فضل و گشایش می‌دهد، خداوند در عالم حضوری گسترده و عالمانه دارد.

طبق آیه فوق احساس فقر مالی ریشه در وسوسه شیطان دارد، حال خواه انسان ثروتمند باشد، خواه نباشد. در آیه بعد می‌فرماید: ای آدم‌ها! برای این که تشتت شخصیتی پیدا نکنید و به تعادل شخصیت و یگانگی روح برسید و بتوانید با حق، یگانه شوید و با یگانه ارتباط برقرار کنید: «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ نَّحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطَاً كَبِيرًا»<sup>۳</sup> یعنی؛ فرزندانان را از ترس فقر، نکشید، ما آن‌ها و شما را رزق می‌دهیم و این کار شما انحرافی بزرگ است. چون نمی‌دانند این که از فقر نگرانند شیطان بازی‌شان داده است و کارشان را به جایی رسانده که برای فرار از فقر به جنایتی بزرگ - یعنی قتل فرزند- دست می‌زنند.

۱. برای شرح بیشتر این آیات می‌توانید به بحث تفسیر سوره عنکبوت جلسه ۲۴ رجوع فرمایید.

۲. سوره بقره، آیه ۲۶۸.

۳. سوره اسراء، آیه ۳۱.

فکر نکنید قتل این کودک باعث می‌شود یک نان‌خور از خانواده کم شود، اصلاً بنا نبوده نان‌خوردن این کودک یا این همسر به دست شما باشد، خداوند خودش خلقشان کرده، خودش هم رزقشان را می‌دهد، منتها ممکن است از طریق شما آن رزق را به بندگانش برساند، حالا اگر تو فکر کردی خودت باید رزقشان را بدهی و احساس سنگینی بر دوش خود کردی، نگرانی از فقر گریبان‌ت را می‌گیرد، ولی اگر خود را واسطه دیدی و واسطه خوبی برای رساندن رزق به کودکان شدی، به برکت رزقی که از طریق شما برای آن‌ها می‌فرستند، برکات اضافه‌تری هم به شما می‌رسد، این‌جاست که رسول خدا (صلی الله علیه وآله) می‌فرمایند: «أَنْفَقِي وَ لَا تُخْصِي فَيُحْصِيَ اللَّهُ عَلَيْكَ، وَ لَا تُوعِي فَيُوعِيَ اللَّهُ عَلَيْكَ»<sup>۱</sup> یعنی؛ خرج کن و حساب نکن، که خدا بر تو حساب نکند، و بخل موزز تا خدا بر تو بخل نوزد. حضرت در این فرمایش می‌خواهند ما را متوجه کنند که فکر نکن تأمین رزق همسر و فرزندان را بر دوش تو گذاشته‌اند که بخواهی حساب تأمین رزق را بکنی و لذا سخت بگیری. می‌فرمایند: خداوند حساب این زندگی را کرده است، وگرنه نباید از این جمله حضرت برداشت کنیم که به نام بخل نوززیدن، ریخت و پاش کنیم، چون خودشان در جای دیگر می‌فرمایند: «إِنَّ مِنَ السَّرْفِ أَنْ تَأْكُلَ كُلَّ مَا اسْتَهَيْتَ»<sup>۲</sup> یعنی؛ از انواع اسراف این که هر چه می‌خواهی بخوری، و یا می‌فرمایند: «الْإِقْتِصَادُ نِصْفُ الْعَيْشِ وَ حُسْنُ الْخَلْقِ نِصْفُ الدِّينِ»<sup>۳</sup> یعنی؛ اقتصاد و میانه‌روی، نصف زندگی است و حسن خلق، نصف ایمان است. بناست شما خدا را بندگان کنید.

چه موقع کشاورزی تحقیر و یا معلمی و یا خانه‌داری تحقیر شد؟ موقعی که خود این‌ها زندگی به حساب نیامد، بلکه وسیله پول درآوردن شد تا به کمک پولی که از طریق آن‌ها به‌دست می‌آید برویم زندگی کنیم، چقدر زیبا بود و هست وقتی که شغل ما بستر زندگی ما باشد و نه صرفاً منبع درآمد، در آن حالت خود آن شغل مطلوب است.

### زنده بودن یا زندگی کردن

یک وقت آدم زندگی را شناخته است، و لذا خوب زندگی می‌کند. اگر زنده‌بودن و زندگی کردن را بشناسد و در راستای زندگی کردن، کار کند و نه برای زنده بودن، دیگر خسته نمی‌شود، چون زندگی خستگی نمی‌آورد. انسان در زندگی با خودش ارتباط دارد. آدم خودش از خودش خسته نمی‌شود. عرض کردم از چه موقع خانه‌داری تحقیر شد؟ از وقتی پول درآوردن زندگی شد، لذا گفته شد خانه‌داری که کار نیست، بروید پول درآورید تا کاری کرده باشید و بتوانید زندگی کنید، غافل از این‌که همین خانه‌داری زندگی است و آن‌کس هم که به دنبال پول درآوردن است برای این‌که به همین زندگی برسد پول در می‌آورد، ولی گاهی زندگی کردن را گم می‌کند و پول درآوردن را زندگی خود می‌پندارد و این اول

۱. نهج‌الفصاحه، حدیث شماره ۵۶۶.

۲. نهج‌الفصاحه، حدیث شماره ۹۱۸.

۳. نهج‌الفصاحه، حدیث شماره ۱۰۵۸.







انسان باهوشی در همین راستا از پیامبر (صل الله علیه وآله) پرسید: یا نَبِیَّ اللهُ ما یَکْفِیَنِ مِنَ الدُّنْیَا؟ قال: ما سَدَّ جَوْعَتَکَ وَ وَازَى عَوْرَتَکَ وَ اِنْ کَانَ لَکَ بَیْتُ یَطْلُکَ فِیْخِ بَخٍ، وَ اِنْ کَانَ لَکَ دَابَّةٌ تَرْتُکِبُهَا فَذاکَ وَ اَنْتَ مَسْئُولٌ عَمَّا سَوَى ذَٰلِکَ<sup>۱</sup>.

یعنی؛ ای پیامبر خدا! چه چیزی از دنیا برای من کافی است؟ حضرت فرمودند: آن چه گرسنگی را تا برطرف ساخته، و بدنت را بپوشاند، و اگر خانه‌ای داشته باشی که در سایه آن زندگی کنی چه بهتر، و هم چنین اگر چارپایی برای سواری داشته باشی نیز خوب است، و تو نسبت به داشتن بیش از آن مسؤول خواهی بود.

عنایت داشته باشید که باید زندگی را بشناسید و کار ما همان زندگی ما باشد، نه این که کار ما وسیله پول درآوردن باشد و زندگی را در ناکجاآباد جستجو کنیم، که در آن صورت کارهایمان دیگر قانعمان نمی‌کند و کارهای زیبا و ارزشمند، دیگر به دست ما انجام نمی‌گیرد، چون عاشق کار خود نیستیم تا به نحو شایسته آن کار را انجام دهیم و آن را زندگی خود بینداریم.

پیامبر خدا (صل الله علیه وآله) می‌فرماید: «أَفْضَلُ الْکَسْبِ بَیْعٌ مَبْرُورٌ وَ عَمَلُ الرُّجُلِ بَیْدَهُ»<sup>۲</sup> یعنی؛ بهترین کسب‌ها، معامله نیک و بدون حيله است و این که انسان با تلاش خود روزی‌اش را به دست آورد.

اگر کار تدریس و معلمی، برای معلم زندگی نبود، باید دائم تبلیغش را بکنند شاید برای ادامه کار انگیزه پیدا کند. اگر مادری برای مادر زندگی نبود، باید تبلیغش را بکنی که مادری خوب است و خوب است که مادران به مادری خود دلگرم باشند. تازه اول ماجرا است چون مادر، داشت مادری‌اش را می‌کرد و خیلی هم خوب مادری می‌کرد، و آن را زیباترین دوره زندگی‌اش می‌دانست. مشکلی که به وجود آمد این بود که انسان معنی زندگی کردن را از دست داد، چون ابتدا تعادل توحیدی‌اش را از دست داد، زندگی کردن را گم کرد و در نتیجه همه آنچه را قبلاً زندگی می‌پنداشت اکنون بی‌فایده می‌بیند و پول درآوردن مقصد و مقصودش شد و فکر کرد خداوند به دست آوردن رزق را به دوش انسان گذارده و لذا زندگی‌اش برای رزق درآوردن است و دیگر هیچ. چنین انسانی دیگر نمی‌بیند رزق درآوردن برای چه هدفی باید باشد، خود رزق درآوردن مقصد و مقصود انسان می‌شود و انسان در این حالت به سوی ناکجاآباد همواره در حرکت است و در این مسیر انواع رقابت‌ها و تنگناها را برای دیگران به وجود می‌آورد تا خودش را از تنگنا در آورد. و زندگی را برای همدیگر آنچنان تنگ می‌کنند که حتی همسر و فرزند که یکی از فرازهای زیبای زندگی است، عامل تهدید زندگی می‌شوند و یک نحوه فرزندکشی در جامعه رایج می‌شود و اینجاست که قرآن می‌فرماید: «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَکُمْ خَشِیَةَ إِمْلَاقٍ»<sup>۳</sup> آدم‌ها! فرزندان‌تان را به جهت فقر نکشید،

۱. مجموعه ورام، ج ۲، ص ۲۱۵.

۲. نهج الفصاحه، حدیث شماره ۴۱۴.

۳. سوره هود، آیه ۶.



«تَنْحُنُّ نَزْرُقَهُمْ وَإِيَّاكُمْ» ما رزق آن‌ها و شما را می‌دهیم. خدا آن قدر لطف دارد که گاهی سر نخ را نشان می‌دهد، می‌گوید ما رزق آن‌ها و شما را می‌دهیم، چون وقتی فکر کردیم خودمان عامل تهیه رزق هستیم؛ اولاً؛ سخت بخل می‌ورزیم. ثانیاً؛ اگر نان خور کمتر داشته باشیم خوشحال می‌شویم. در حالی که رسول خدا (صل الله علیه وآله) که قاعده رزق را در عالم می‌دانند، می‌فرمایند: «اگر بر خدا توکل کنید - آن‌طور که حق توکل است - حتماً رزق شما را می‌رساند، همچنان که رزق پرندگان را می‌رساند، صبحگاهان گرسنه از لانه خارج می‌شوند و شامگاهان سیر برمی‌گردند.»<sup>۱</sup>

آری؛ در توکل انسان به خدا اطمینان دارد و در آغوش گرم این توکل زندگی می‌کند و بیش از آن که امیدش به مردم باشد به خداوند است، چنانچه رسول خدا (صل الله علیه وآله) می‌فرمایند: «عَلَيْكَ بِالْأَيْسِ مِمَّا فِي أُيْدِي النَّاسِ»<sup>۲</sup> یعنی؛ بر تو است که نسبت به آنچه در دست مردم است مأیوس باشی و به آنچه نزد خداست امید داشته باشی. آیا جز این است که با چنین روحیه‌ای انسان به راحتی زندگی می‌کند و در این حالت فشار حرص و طمع که زندگی او را ساقط می‌کند از بین می‌رود؟ چنانچه رسول خدا (صل الله علیه وآله) می‌فرمایند: «إِنِّي اللَّهُ أَنْ يَرْزُقَ عَبْدَهُ الْمُؤْمِنَ إِلَّا مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ»<sup>۳</sup> یعنی خداوند ایا دارد رزق بنده مؤمن خود را به او برساند مگر از جایی که او انتظار ندارد، چون چنین بنده‌ای بیش از آن که به خود امیدوار باشد به مدیریت خداوند امیدوار است و می‌داند در این نظام گسترده الهی، جایی هم برای او و زندگی او باز کرده‌اند.

### روش جدید قتل فرزندان

قرآن فرمود: «إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْأً كَبِيرًا» یعنی؛ این که آن‌ها فرزندان خود را به جهت فقر به قتل می‌رسانند خطای بزرگی است، چون تحلیل آن‌ها از مسیر رزق غلط است. حال می‌خواهم عرض کنم وقتی شما عزیزان برای آینده فرزندانان تصمیم می‌گیرید، اگر در رابطه با نگرانی از رزقشان، استعدادهای انسانی‌شان را در حدّ به‌دست آوردن رزق محدود کردید، این همان خطای بزرگ قتل فرزند است. فرزندکشی انواعی دارد. یک وقت می‌گوی: بابا! تو باید در این رشته تحصیلی یا دانشگاهی قبول شوی، چون بازار کار دارد و دچار گرسنگی و گدایی نمی‌شوی. شما در واقع داری او را می‌کشی. در صورتی که قرار شد این آدم وظیفه انسانی‌اش را در زیر آسمان به عنوان یک زندگی الهی انجام دهد، خدا رزقش را می‌دهد. شما با این پیشنهاد، او را دعوت به زندگی نکردی، بلکه او را به فرار از فقر دعوت کردی و او را از فقر ترساندی. در حالی که قبلاً عرض شد؛ شیطان انسان‌ها را از فقر می‌ترساند تا از وظیفه اصلی‌شان باز دارد.

۱. نهج الفصاحه، حدیث شماره ۲۳۱۰.

۲. نهج الفصاحه، حدیث شماره ۱۹۸۵.

۳. نهج الفصاحه، حدیث شماره ۱۳.



امیدوارم مردم ما به مولایشان امیرالمؤمنین (علیه السلام) اقتدا کنند که زندگی برایشان چیز دیگری است هر چند نخل هم می‌کارد و عملگی هم می‌کند. لازم است که فرزندانمان را در انتخاب شغل به ترس و وحشت از فقر نیندازیم. این روش خوبی نیست که بنده و جنابعالی زندگی‌مان فقط این باشد که یک چیزی در بیاوریم که از گرسنگی نمیریم. نه! وظیفه ما این است که زندگی کنیم، رزقمان هم می‌رسد

امام حسین (علیه السلام) به مردی فرمود<sup>۱</sup>: ای مرد! در طلب رزق نه آنچنان تلاش کن که همه تلاش تو طلب رزق باشد، و نه آنچنان کار را به تقدیر واگذار که دست‌بسته تسلیم شوی، چرا که طلب رزق، سنت است و حریص نبودن، از عفت، و عفت‌ورزیدن در طلب رزق موجب نمی‌شود که رزق از تو منع شود و نه این که حرص موجب شود که اضافه‌تر به دست آید. رزق تقسیم شده است و اجل هرکسی حتمی است و حرص‌زدن در رزق زمینه ایجاد گناه است.

ملاحظه فرمودید که طبق سخن حضرت امام حسین (علیه السلام)، ما برای هدفی بالاتر به این دنیا آمده‌ایم، حالا یا برای رسیدن به آن هدف، خداوند مقدر کرده است زندگی ما با تنگی معیشت همراه باشد و یا با فراخی معیشت، هر چه خدا خواسته همان به نفع ماست و چون در تنگی معیشت ظاهراً کار سخت‌تر است، ارزش آن هم بیشتر است، لذا است که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: «لِيُشْرَ فَقْرَاءُ الْمُؤْمِنِينَ بِالْفُرَاقِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ قَبْلَ الْأَغْنِيَاءِ بِمَقْدَارِ حُمْسِمَاءِ عَامٍ، هَوْلَاءِ فِي الْجَنَّةِ يُنْعَمُونَ وَ هَوْلَاءِ يُحَاسِبُونَ»<sup>۲</sup> یعنی، مؤمنان فقیر را بشارت باد که آن‌ها در روز قیامت به اندازه پانصدسال زودتر از اغنیاء از محاسبه فارغ می‌شوند، آنان در بهشت متنعمنند و اغنیاء حساب پس می‌دهند. پس طبق این روایت معلوم نیست تنگی رزق در نهایت، مزاحم حیات معنوی ما باشد بلکه در ورود به حیات معنوی سرعت می‌بخشد.

می‌فرماید: فرزندانمان را از ترس فقر نکشید، خواه از نظر بدن، خواه از نظر انسانیت. کمالات معنوی‌شان را فدای تهدید فقر نکنید، از ترس موهوم آن‌ها را از کمالات واقعی محروم ننمایید. این نوع نگاه کردن به زندگی که نگران رزق فرزندانمان باشید، دائماً بدن فرزندانمان را می‌لرزاند، این هم یک نوع کشتن است، در حالی که دین به شما می‌گوید: نه خودتان را از ترس فقر بکشید و نه فرزندانمان را، بگذارید زندگی کنند، زندگی ماورای نان و آب است. زندگی همان بندگی است. تمام وجود ما بنده بودن است، فقط هم باید بنده خدا باشیم، با این دید دیگر تمام ابعاد روحی انسان متعادل می‌شود و در صراط مستقیم به سوی هدف متعالی خود سیر خواهد کرد.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در همین رابطه می‌فرماید: «إِنَّ أْبْعَصَ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ

۱. مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۳۵.

۲. نهج الفصاحه، حدیث شماره ۲۳۶۹.



العُفْرِیْتُ النَّفْرِیْتُ الَّذِی لَمْ یُرْزَأْ فِی مَالٍ وَ لَا وَ لَدٍ»<sup>۱</sup> یعنی؛ منفورترین بندگان خدا در نزد خدا شخص سرکشی است که در مال و فرزند مصیبت ندیده باشد. چون ظرفیت چنین ضررهایی را ندارد، لذا سخت دنیا را گرفته که ریالی از آن دستش نرود، چراکه تمام مقصد و مقصود خود را دنیا می‌داند. آیا این آدم به واقع و در حقیقت باید خود را زرنگ بداند؟! در حالی که جدی‌ترین ابعاد زندگی را رها کرده و برای آن هیچ کاری نمی‌کند.

پیامبر خدا (صل الله علیه وآله) می‌فرماید: یعنی؛ بهترین بی‌رغبتی و زهد نسبت به دنیا آن است که از آنچه داری خشنود بوده و مضطرب بیشتر داشتن دنیا نباشی، و بهترین چیزی که شایسته است انسان از خدا بخواهد، عافیت دین و دنیا است. تا به بهترین نحو زندگی را به انتها برساند و به بهترین نحو وظیفه‌اش را نسبت به دین خدا عمل نماید. در چنین حالتی است که مؤمن به تجربه می‌یابد آن قدر که درایی‌ها و نعمت‌ها زمینه لغزش را فراهم می‌کنند، محدودیت‌های اقتصادی او را به چنین خطراتی نمی‌اندازد و در رابطه با همین تجربیات است که رسول خدا (صل الله علیه وآله) می‌فرماید: «لَیْسَ بِمُؤْمِنٍ مُسْتَكْمِلِ الْاِیْمَانِ مَنْ لَمْ یَعِدِ الْبَلَاءَ نِعْمَةً وَ الرَّحَاءَ مُصِیْبَةً»<sup>۲</sup> یعنی؛ هر کس بلا را نعمت، و گشایش و فراوانی را مصیبت نداند ایمانش کامل نیست. چون سال‌ها تجربه معنوی نیاز است که انسان ایمانش کامل شود و یکی از آن تجربه‌های معنوی رسیدن به چنین مطلبی است که می‌بیند هرگاه برای او بلایی آمد، آن بلا دریچهٔ نعمت است و هر وقت او را گشایشی حاصل شد، بستر مصیبت او فراهم شده است.

### نشانه‌های محبت خدا

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: چون خداوند بنده‌ای را دوست بدارد، طاعت پروردگار را به او الهام می‌کند، و او را با قناعت همراه می‌گرداند و او را در فهم دین عمیق می‌کند و با یقین در دین، او را قدرت می‌بخشد و از کفاف برخوردارش می‌کند و در عفاف او را می‌پوشاند. و چون بر بنده‌ای غضب کند، او را مال دوست می‌کند و مال او را گسترش می‌دهد، و دنیایش را به او الهام می‌کند و او را به هوسش می‌سپارد، پس او بر مرکب عناد و سرپیچی سوار می‌شود و بساط فساد و ظلم بر بندگان را می‌گستراند.

شما به فرمایش امام صادق (علیه السلام) در روایت فوق توجه عمیق بفرمایید و ببینید چگونه حضرت ملاک‌های کمال و خواری را ارزیابی می‌کنند. حوزهٔ محبت خدا را طاعت و قناعت و تعمق در دین و قوت یقین به حقایق معنوی و کفاف داشتن و عفاف، می‌دانند. و برعکس آن، حوزهٔ غضب الهی را مال دوستی و وسعت مال و الهام دنیا و هوس‌زدگی می‌دانند. بر اندیشمند بصیر کافی است با توجه به این روایت ارزیابی‌های خود را در زندگی تصحیح نماید.

۱. نهج الفصاحه، حدیث شماره ۵۷۳.

۲. نهج الفصاحه، حدیث شماره ۳۰۸.

۳. نهج الفصاحه، حدیث شماره ۲۳۹۱.

## ریشه پریشانی زندگی‌ها

حضرت باقر (علیه السلام) می‌فرمایند: رسول خدا (صل الله علیه وآله) فرمودند که خداوند می‌فرماید: به عزت و جلال و عظمت و کبریائی و نور و علو و برتری موقعیتم قسم، هرگز بنده‌ای خواست خود را بر خواست من مقدم نمی‌کند مگر آن که آموزش را پریشان و دنیایش را به هم ریخته، و قلبش را به آن مشغول کرده و از دنیا به او نمی‌رسانم مگر آنچه برایش مقدر کرده‌ام.

## رزق حرام، همان رزق توست که آن را حرام کردی

امام رضا (علیه السلام) می‌فرماید<sup>۱</sup>: در طلب رزق تقوا پیشه کن و به اختصار راضی باش و در کسب مال، دست پایین را بگیر و بدان که رزق دو نوع است؛ رزقی که به دنبال تو است و رزقی که تو به دنبال آن هستی، پس آن رزقی که تو به دنبال آن هستی، از طریق حلال آن را دنبال کن که اگر آن را از راه درست طلب کرده باشی برایت حلال است و إلا اگر از راه حرام به دست آورده باشی، استفاده از آن حرام است، از طرفی آن رزق تو است - چه حلال، چه حرام - و حتماً تو از آن استفاده خواهی کرد.

ملاحظه می‌فرمایید چگونه حضرت رضا (علیه السلام) در آخر این روایت تأکید می‌کنند آن رزقی هم که به صورت حرام مصرف کرده‌ای چیزی جز رزق تو نبوده است مگر این که آن را به صورت حرام به دست آوردی و مصرف نمودی و در نتیجه حالا باید حساب حرام‌خواری آن را بدهی.

## نتیجه هلاکت بار فخر

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): «مَنْ طَلَبَ الدُّنْيَا حَلَالًا مَكَاثِرًا مُفَاخِرًا مُرَائِيًا لَقِيَ اللَّهَ يَوْمَ يَلْقَاهُ وَهُوَ عَلَيْهِ غَضَبَانٌ»<sup>۲</sup>. رسول خدا (صل الله علیه وآله) می‌فرمایند: هر کس دنیا را از راه حلال ولی زیادخواهانه و جهت فخر و چشم و هم‌چشمی طلب کند، خداوند را ملاقات می‌کند در حالی که خداوند بر او غضبناک است.

## راه امیدواری

عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): «أَنَّه قَالَ الرَّزْقُ يُسْعَى إِلَيْ مَنْ لَا يَطْلُبُهُ»<sup>۳</sup>.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌فرمایند: رزق می‌شتابد به سوی آن کسی که طالب آن

۱. مستدرک‌الوسائل، ج ۱۳، ص ۲۷.

۲. مستدرک‌الوسائل، ج ۱۳، ص ۳۲.

۳. مستدرک‌الوسائل، ج ۱۳، ص ۳۲.



نیست. و نیز می‌فرماید: «الْأَرْزَاقُ لَا تُنَالُ بِالْحِرْصِ وَالْمُعَالَبَةِ»<sup>۱</sup>. ارزاق با حرص و چیرگی بر همدیگر به دست نمی‌آید.

و نیز می‌فرماید: «أَجْمَلُوا فِي الطَّلَبِ فَكَمْ مِنْ حَرِيصٍ خَائِبٍ وَ مُجْمَلٍ لَمْ يَخِبْ»<sup>۲</sup>. در طلب رزق حریص نباشید، که چه بسیار حریصی که ناامید شد و چه صرفه‌جو و کم‌طلبی که ناامید نشد.

و نیز می‌فرماید: «رَزُقَكَ يَطْلُبُكَ فَأَرِخْ نَفْسَكَ مِنْ طَلْبِهِ»<sup>۳</sup>. رزق تو به دنبال تو است، نفس خود را در طلب آن به زحمت مینداز. و نیز می‌فرماید: «سَوْفَ يَأْتِيكَ أَجْلُكَ فَأَجْمَلْ فِي الطَّلَبِ سَوْفَ يَأْتِيكَ مَا قَدَّرَ لَكَ فَخَفِّضْ فِي الْمُكْتَسَبِ»<sup>۴</sup>.

به زودی مرگ تو فرا می‌رسد، پس در طلب رزق حرص به خرج مده، بالاخره آنچه برای تو تقدیر شده به تو می‌رسد. آری! «مباد آن‌که ز احوال خود شوی غافل» و از توجه به قلب و ورود به عالم معنی غافل گردی و در تعالی آن نکوشی، آسوده خاطر باش و فرصت چند روزه دنیا را غنیمت شمار و در کسب معارف الهی و سیر به سوی حقایق معنوی تلاش کن، چرا که فرمود: «سَوْفَ يَأْتِيكَ أَجْلُكَ...» به زودی مرگت فرا می‌رسد و خدای ناکرده در آن حال، قلب از حق فهمی و حق خواهی و حق‌بینی محروم است. این جاست که امام‌الموحدین (علیه السلام) می‌فرماید: «سِنَّةٌ يُخْتَبَرُ بِهَا دِينَ الرَّجُلِ إِلَى أَنْ قَالَ وَ الْإِجْمَالُ فِي الطَّلَبِ»<sup>۵</sup>. یعنی؛ با شش چیز دین انسان امتحان می‌شود، تا آنجا که فرمود: و با حریص نبودن در طلب رزق. یعنی؛ آن‌کس که با این‌همه حرف هنوز نسبت به طلب رزق حریص است باید به ایمان خود شک کند.

### عبرت‌ی بزرگ

از امام‌صادق (علیه السلام) شنیدم که می‌فرمود<sup>۶</sup>: خدای عزّ و جلّ رزق انسان‌های ساده را وسعت داده است تا عبرتی برای عقلا باشد و بدانند که دنیا با عقل و چاره‌جویی به دست نمی‌آید.

راستی که عجیب نکته‌ای است و چقدر عبرت آموز است، به واقع بارها با چنین پدیده‌ای روبه‌رو شده‌ایم. می‌فرماید: اگر عاقل باشی می‌فهمی که عقل و چاره‌جویی‌ها را برای رزق بیشتر به تو نداده‌اند باید آن‌ها را در جاهای دیگر به‌کار برد که موجب کسب معارف بیشتر

۱. همان.

۲. مستدرک‌الوسائل، ج ۱۳، ص ۳۲.

۳. همان.

۴. مستدرک‌الوسائل، ج ۱۳، ص ۳۲.

۵. مستدرک‌الوسائل، ج ۱۳، ص ۳۳.

۶. همان.



و معنویت برتر شود. عقل را به ما دادند تا در قرآن تدبّر کنیم و در ارتباط با آیات الهی با خدا انس بگیریم، این طور نیست که بتوانی با عقل بیشتر رزق بیشتر نصیب خود کنی.

### قناعت؛ نشانه عقل

امام کاظم (علیه السلام) در توصیه به یار وفادارشان می‌فرماید:

یعنی؛ ای هشام! عاقلان نسبت به دنیا بی‌میل و به آخرت راغب هستند، چون می‌دانند که یا دنیا را باید طلب کرد، یا دنیا آنها را طلب می‌کند، و یا باید آخرت را طلب کرد یا مرگ آنها را طلب می‌کند. پس آن کس که آخرت را طلب کند، دنیا به خودی خود او را طلب می‌کند، تا این‌که رزق کافی برایش حاصل شود. و آن کس که دنیا را طلب کند، آخرت به سراغش می‌آید و مرگ او را فرا می‌گیرد و دنیا و آخرتش را از بین می‌برد.

ای هشام! هر کس خواست بدون مال، ثروت‌مند شود و قلبش از حسد راحت گردد و دینش سالم بماند، از خدای عزوجل عاجزانه تقاضا کند، عقلش کامل شود. پس هر کس عقلش کامل شد به آنچه نیازش را برآورده می‌کند قانع می‌شود، و آن کس که به آنچه نیازش را برآورده می‌کند قانع شد، به واقع غنی شده است. و هر کس نسبت به آنچه برای او کفایت می‌کند قانع نشد، هرگز احساس غنا و بی‌نیازی نخواهد کرد.

حضرت در این روایت به هشام می‌فرماید: اولاً؛ آن کس که عقلش رشد کرده است به دنیا بی‌میل می‌شود و به آخرت رغبت دارد. چون قاعدهٔ رابطهٔ دنیا را با انسان‌ها می‌دانند که هر کس آخرت را طلب کرد دنیا به خودی‌خود به سوی او می‌آید. ثانیاً؛ حضرت رمز همهٔ رستگاری‌ها را تعالی عقل می‌دانند و لذا است که می‌فرمایند: هر کس خواست بدون مال در غنی و بی‌نیازی به سر برد و قلبش از حسد راحت و دینش سالم بماند، باید از خدا تقاضا کند که عقلش را کامل نماید، بعد می‌فرمایند: علت این‌که انسان‌ها به بیش از آنچه نیاز دارند حریص‌اند، بی‌عقلی آنهاست و لذا هر کس عقلش کامل شد به آنچه نیازش را برآورده می‌کند، قانع می‌شود.

### هشدار که خزینه‌دار دیگران نباشی

امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌فرماید<sup>۲</sup>: ای فرزند آدم! نباید بزرگترین غم تو آن رزقی باشد که نیامده است، اگر آن روز جزء عمر تو باشد، رزق آن روز را خداوند در آن روز به تو می‌رساند، و بدان که تو هرگز آنچه را رزق تو نیست، به دست نمی‌آوری مگر این‌که آن را برای غیر خود جمع کنی، زحمتش در دنیا برای تو و بهره‌اش برای وارث تو است، و حساب آن در قیامت برای تو می‌ماند، پس شاد باش به آنچه داری و آن را برای قیامتی که در

۱. مستدرک‌الوسائل، ج ۱۳، ص ۳۳.

۲. مستدرک‌الوسائل، ج ۱۳، ص ۳۵.





پیش داری بفرست، چرا که سفری طولانی در پیش است و وعده‌گاه اصلی ما، قیامت است و محل ورود یا بهشت است یا دوزخ.

### طلب رزق سنت است

امام حسین (علیه السلام) به مردی فرمود<sup>۱</sup>: ای مرد! در طلب رزق نه آنچنان تلاش کن که همه تلاش تو در طلب رزق صرف شود، و نه آنچنان کار را به تقدیر واگذار که دست‌بسته تسلیم شوی، چرا که طلب رزق، سنت است و حریص نبودن، از عفت، و عفت‌ورزیدن در طلب رزق موجب نمی‌شود که رزق از تو منع شود، همچنان که حرص موجب نمی‌شود که رزق اضافه‌تر به‌دست آری. چرا که رزق تقسیم شده است و اجل هرکسی حتمی است و حرص‌زدن در رزق زمینه‌ایجاد گناه است.

چنانچه ملاحظه فرمودید؛ حضرت سیدالشهداء (علیه السلام) می‌خواهند جواب این سؤال را بدهند که ممکن است انسان بپرسد اگر رزق مقسوم است پس تلاش برای چه؟ حضرت ضمن آن‌که ابتدا توصیه به تعادل در طلب رزق می‌کنند، سپس می‌فرمایند: «فَإِنَّ ابْتِغَاءَ الرَّزْقِ مِنَ السُّئَةِ» یعنی؛ در طلب رزق بودن، سنت و روش پیامبران و اولیاء الهی است. پس اگر می‌خواهی تحرک و تلاشی همانند آن‌ها داشته باشی، باید از طلب رزق به نحوی که گوشرد شد باز نمائی تا در عالم پیامبران خدا وارد شوی و در آخر ما را متوجه نکته‌ای بسیار اساسی می‌نمایند و می‌فرمایند: «وَ اسْتِعْمَالَ الْحَرِصِ جَالِبِ الْمَأْتَمِ» یعنی؛ این حرص‌زدن نه‌تنها تو را از عالم پیامبران خارج می‌کند از آن خطرناک‌تر این‌که زمینه‌ایجاد گناه خواهد شد. حال آیا انسان بصیر که هر لحظه مواظب آن است که گرفتار گناه نشود، جا ندارد ریشه‌ی حرص در طلب رزق را که بستر گناه است، در خود بسوزاند؟

### دفن استعدادها

همواره امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌فرمودند: آنچه دور است را به خود نزدیک کنید و سختی را بر خود آسان نمایید و بدانید که بنده اگر برنامه‌هایش ضعیف و نقشه‌هایش در به‌دست آوردن رزق، ناقص باشد، هرگز از آنچه خداوند برایش مقدر کرده، محروم نخواهد شد، و اگر بنده‌ای در نقشه کشیدن برای به‌دست آوردن رزق توانمند و برنامه‌هایش کارآمد باشد، هرگز بیش از آنچه خداوند برای او تقدیر کرده به‌دست نخواهد آورد.

آری می‌فرماید: آن‌کس که قدرت برنامه‌ریزی بیشتر دارد باید این استعدادها را در جهت دیگر به‌کار بندد تا راه‌های آسمان را بر روی خودش و بقیه باز کند و انسان‌ها را به ساحت قرب الهی نزدیک کند. کاری که پیامبران و اولیاء الهی (علیهم السلام) با استعدادهای خود کردند. چون این استعدادها را به او ندادند تا در جهت رزق بیشتر به‌کار گیرد. پس به چنین کاری نیاید، پس اگر او این استعدادها را در راستای ازدیاد رزق به‌کار گیرد آن‌ها را دفن کرده است.

۱. مستدرک‌الوسائل، ج ۱۳، ص ۳۵.

## آسایش دو گیتی

امام باقر (علیه السلام) فرمود که پیامبر (صل الله علیه وآله) می‌فرمایند: دنیا در حال چرخش است، پس آنچه از آن برای تو است، به تو می‌رسد، هر چند ضعیف باشی، و آنچه هم علیه تو است به تو می‌رسد و تو نمی‌توانی آن را دفع کنی، هر چند قوی باشی، و کسی که امیدش را به آنچه از دست او رفته قطع کرد، از زحمات بدنی راحت شد، و کسی که به آنچه خدا برای او رزق قرار داد، راضی شد، در آرامش کامل به سر می‌برد.

حضرت باقر (علیه السلام) می‌فرمایند: دنیا چیزی است در حال چرخش، نه نگه‌داشتنی است و نه اگر رفت برای همیشه رفته است، خیلی شبیه توپ فوتبال در میدان بازی است که نه هر بازیکنی می‌تواند توپ را برای همیشه نزد خود نگهدارد و نه آنچنان است که اگر از دست او رفت دیگر برنگردد. البته فرق چرخش دنیا با چرخش توپ آن است که چرخش دنیا در اختیار انسان‌ها نیست. تا ما نه از ماندن آنچه در دست داریم مطمئن شویم و گمان کنیم با قدرت و ابتکار خود می‌توانیم آن را حفظ کنیم و نه مایوس باشیم که ضعف ما مانع به دست آمدن دنیا برای ما است. در همین راستا فرمود آنچه از حوادث دنیا بر علیه توست نیز به تو می‌رسد و قوت تو مانع رسیدن آن نیست. آری تو نسبت به آن حادثه باید بتوانی خوب امتحان دهی.

## هر حلالی را حرامی است

از امام صادق (علیه السلام) است که فرمود: خداوند عزّ و جلّ افراد را خلق کرد و همراه آنها رزقشان را به صورت حلال و طیب خلق نمود، پس اگر کسی آن را به صورت حرام به دست آورد، به همان اندازه از رزق حلال او کم می‌شود.

امام باقر (علیه السلام) چه اسراری از سنت رزق را در عالم هستی برای انسان‌ها روشن فرمودند، که اولاً؛ هر کس رزق حلالی دارد که در نهایت آرامش و عاقبت به خیری برای او قرار داده‌اند. ثانیاً؛ درست از جهت دیگر همان رزق را به صورت حرام بر او عرضه کرده‌اند تا در عرضه انتخاب بین حلال و حرام، ایمان او آزموده شود و بتواند بین رزق حلال و مشابه آن که به صورت حرام است یکی را انتخاب کند. ثالثاً؛ این طور نیست که انسان گمان کند حالا که آن وجه حلال رزق برایشان هست پس خوب است فعلاً وجه حرام آن را استفاده کنیم و سپس به سراغ وجه حلال آن رویم. می‌فرماید: درست به همان اندازه که از حرام استفاده نمودی از حلالی که برایت مقدر شده است کاسته می‌شود.

مطلب فوق جواب بسیاری از سؤالات انسان‌های دقیق در مورد فلسفه رزق است. آن‌جایی که انسان سؤال می‌کند چرا ما را محتاج به رزق نمود و چرا این رزق‌ها را رنگارنگ کرد و شرایط متنوعی در دست‌یابی به آن فراهم کرد؟ جواب همه آن‌ها را در یک کلمه فرمود

که بناست در کنار هر رزق حلال خوش عاقبتی، رزق حرام بد عاقبتی عرضه شود تا انسان آزمونده گردد.

### تحرکی با نشاط

حضرت صادق (علیه السلام) توصیه می‌فرمایند نه بی‌تحرک باش - که در آن صورت از عرصه امتحان فرار کرده‌ای - و نه حریص و به دنیا امیدوار - که در امتحان مردود شده‌ای - بلکه در آن حدّ که بتوانی نیاز حقیقیات را به دست آوری تلاش کن، که در این حدّ، در عرصه طلب رزق وارد شدن، برای امتحان دادن، کافی است. سپس در آخر؛ نکته ظریفی را مطرح کردند که اگر مالی را به کسی دادند ولی او نتوانست متوجه دهنده آن شود و خدای دهنده مال را گم کرد، او عملاً ثروتی ندارد. چون نعمت را دادند تا انسان را متوجه صاحب نعمت کنند و سرمایه حقیقی هرکس، نظر داشتن به صاحب نعمت است و نه به خود نعمت. چرا که این نعمت شکر که صاحب نعمت را می‌بینی، دیگر تو را از حرص آزاد می‌کند و قانع و بزرگ می‌شوی و به راحتی برای این که ارتباط تو با صاحب نعمت بماند صد نعمت را نثار فقیر می‌نمایی یعنی؛ به آنهایی که مال داده شده ولی شکر آن را نمی‌کنند، در واقع مالشان مال نیست، چون مال نتوانسته است آن‌ها را به منعم برساند.

### خداوند از ما به ما عاشق تر است

امام صادق (علیه السلام) از پدران بزرگوارشان (علیهم السلام) از پیامبر (صل الله علیه وآله) در حدیث مناهی - که در آن نکاتی را نهی می‌کردند - فرمودند: هرکس به آنچه خداوند از رزق برای او تعیین نموده راضی نباشد و گلايه کند و بر آن صبر نکند، از او حسنه‌ای به آسمان بالا نمی‌رود و خداوند را ملاقات می‌کند در حالی که خداوند از او غضبناک است، مگر این که توبه کند.

راستی وقتی خداوند می‌داند شرایط تعالی ما چیست و با نهایت حکمت و دقت و با دل‌سوزی تمام، آن شرایط را برای ما فراهم کرده است، بی‌انصافی نیست که ما از چنین خدایی گله‌مند باشیم و نسبت به آنچه برای ما مقدر کرده راضی نباشیم؟ در حالی که راه ارتباط با خدا درست همان شرایطی است که حضرت رب‌العالمین برای ما فراهم کرده، حالا اگر ما آن شرایط را نپذیریم، در واقع راه ارتباط خود با خدا را نپذیرفته‌ایم. این است که می‌فرماید: «از او حسنه‌ای به آسمان بالا نمی‌رود و خداوند را ملاقات می‌کند در حالی که خداوند از او غضبناک است، مگر این که توبه کند». چرا که به راه ارتباط با خدا و به راه ایجاد رضایت خدا پشت کرده است و فراموش کرده شرایطی که خداوند برای او فراهم کرده، همان راه بندگی او است، مگر این که خودش آن شرایط را از حالت بندگی خارج کند.

### سخن آخر؛ فوق فقر و غنی

در آخر با دعای امام سجاد (علیه السلام) که به واقع جامع همه مباحث گذشته است، بحث

را به انتها می‌رسانیم. حضرت با خدای خود چنین مراوده می‌کنند:

پروردگار! از تو خوبی زندگی را تقاضا دارم، زندگی‌ای که از طریق آن برای همه حاجتم نیرو گیرم و از آن طریق زندگی‌ام به آخرتم متصل گردد، بدون آن که مرا در آن به خوش گذرانی و ریخت و پاش گرفتار کنی، تا در نتیجه سرکش شوم، و بدون آن که در آن زندگی، بر من تنگ گیری که در نتیجه شقی و گناهکار گردم.

رزق مرا با رزق حلال خود وسعت بده و از باران فضل خود بر من فرو ریز، نعمتی گوارا و بدون انقطاع، سپس مرا با زیادی آن نعمت از شکر باز مدار، به طوری که زیبایی‌ها و شادابی‌های آن مرا به خود سرگرم سازد، و درخشندگی شکوفه‌هایش مرا فریب دهد، و نیز مرا به کمی و قلت آن دچار مساز که رنج به‌دست آوردن رزق، مرا از وظایف و عباداتم باز دارد و سینه‌ام را اندوه رزق فرا گیرد.

ای معبود من! آن قدر عطا کن که از انسان‌های فرومایه بی‌نیاز و در رسیدن به رضوان تو موفق باشم.

ای معبود من! به تو پناه می‌برم از شرّ دنیا و آنچه مربوط به دنیاست، دنیا را برای من زندان مساز و جدایی آن را اندوه من قرار نده و مرا از فتنه‌های آن خارج کن، بدان‌سان که تو از من راضی باشی و عمل من در دنیا برای قیامت مورد قبول باشد. به جای دنیای فانی، نعمت‌های عالم باقی را برای من قرار ده.

خدا! به تو پناه می‌برم از خواری و پریشانی‌های دنیا و سلطه شیطان و تسلط آن، و از ستم آن کس که در این دنیا به من ستم کند



## رزق، انواع رزق خدا

گفتاری از حجت الاسلام والمسلمین قرائتی

۱۳۸۰/۹/۲۱

بسم الله الرحمن الرحيم

الهی انطقی بالهدی و الهمنی التقوی

بین ۲۵ تا ۳۰ دقیقه سر سفره قرآن بنشینیم. آیاتی تلاوت می‌شود و من می‌گویم این آیات چه پیامی دارد. چه دستوری به ما می‌دهد. بالاخره ما خلق خدا هستیم و خلق خدا حقیق این است که کتاب خالق را بخواند یعنی خلق و مخلوق بادی کتاب خالق را بخواند. تا آیات قبل را خواندیم. آیه ۳۰ سوره «اسرا» هستیم بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ «إِنَّ رَبَّكَ یَسْبُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ یَّشَاءُ وَ یَقْدِرُ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِیْرًا بَصِیْرًا»<sup>۱</sup> کلمات این آیه را بلدید یعنی چه. رب می‌دانید یعنی چه، رزق می‌دانید یعنی چه، عباد می‌دانید یعنی چه، خبیر و بصیر هم می‌دانید یعنی چه. فقط یک چهار تا کلمه‌اش را باید معنی کنم. بدرستی که پروردگار تو باز می‌کند رزق را بر هر که بخواهد. برای هر که بخواهد رزق را توسعه می‌دهد و برای هر که بخواهد رزق را تنگ می‌گیرد. یعنی سفت کن شل کن دست خود خداست، شل می‌کند سفت می‌کند، باز می‌کند، چراغ قرمز، چراغ سبز، چرا این کار را می‌کند، خداوند نسبت به بندگانش خبیر و بصیر است. می‌داند چه کند. این ترجمه آیه، راجع به رزق چند تا بحث داریم. اول اینکه برخوردهای مردم نسبت به رزق خداوند چیست؟ این را می‌گذاریم بعد. چه عواملی، این درست است که می‌گویم خدا هر کسی را بخواهد، این یشاء می‌دانید یعنی چه؟ خواستین، ما در فارسی می‌گوییم «إِنْ شَاءَ اللّٰهُ»، ان یعنی اگر، شای یعنی بخواهد الله، «إِنْ شَاءَ اللّٰهُ» توی فارسی می‌دانید یعنی چه؟ «إِنْ شَاءَ اللّٰهُ» یعنی اگر خداوند بخواهد. پس ایشاء یعنی خواستن.

حالا که شاء یعنی خواست، «یَشَاءُ» هم از همان شاء است. «یَشَاءُ» یعنی هر کس را بخواهد. منتهی حرف من این است که آیا خداوند برای یکی می‌خواهد برای یکی نمی‌خواهد. چه عواملی باعث می‌شود که برای یکی کم شود. چه عواملی باعث می‌شود زیاد شود. البته رزق هم خانه و ماشین و تلفن نیست. همین استعداد شما رزق است. شکل شما رزق است. بیان، هنر، توفیقات، اولاد خوب، حج، «اللّٰهُمَّ ارْزُقْنِی حَجَّ بَيْتِکَ الْحَرَامِ»<sup>۲</sup>. حج هم رزق است. یکی رزقش بچه پسر است یکی رزقش بچه دختر است. هر کسی رزقی دارد.

۱. اسراء/۳۰.

۲. اقبال الأعمال، ص ۲۴



یک مقدار راجع به رزق صحبت کنیم. یک عواملی باعث می‌شود رزق زیاد شود. در مقابل کم شدن و زیاد شدن چیست؟ مسئولیت ما چیست؟ یک صلوات برای گرفتن عوامل زیادی؟

اول این که رزق به زندگی نیست، این را بدانیم خیلی‌ها صبح تا شام می‌دوند به جایی هم نمی‌رسند. حدیث داریم گاهی خداوند افراد ساده را چنان زندگیشان را مرفه می‌کند و جور می‌کند که افراد تیز، بفهمند رزق، همه‌اش به زندگی نیست. پس این یک درس، رزق به زندگی نیست.

## رزق مادی و معنوی

درس دوم هم که گفتیم این است که رزق فقط مسائل مادی نیست مسائل معنوی هم رزق است. خب این آیه می‌گوید که «إِنَّ رَبَّكَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَ يَقْدِرُ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا». خداوند به هر کسی می‌خواهد رزق می‌دهد پس رزق به زندگی نیست، یک رزق هم مادی نیست. دو، گاهی وقت‌ها نماز بهار رزق است.

افرادی هستند عمرشان می‌گذرد، دو رکعت نماز با توجه نمی‌خوانند. عبادت هم رزق است، اما این که می‌گویند لمن یشاء یعنی خواست خدا برای کی‌ها می‌خواهد؟ بعد می‌گوید «إِنَّ اللَّهَ» آخر آیه می‌گوید «خَبِيرًا بَصِيرًا»، خدا خبیر است. در یک آیه دیگر می‌گوید «وَلَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِي الْأَرْضِ»<sup>۱</sup> دیگر خداوند به هر که، هر چه می‌خواهد می‌دهد، همه گردن کلفتی می‌کنند، یعنی اگر مردم خواسته باشند به آنجا که می‌خواهند برسند، برسند، [دنیا می‌شود] می‌شود جنگل، همه به هم می‌پزند. آیه‌اش را می‌خوانم. «لَوْ» یعنی اگر، «وَلَوْ بَسَطَ اللَّهُ»، «بَسَطَ» یعنی گشایش «وَلَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ»، اگر خداوند رزق را گشایش بدهد، «لِعِبَادِهِ»، اگر برای بندگانش توسعه بدهد، «لَبَغَوْا فِي الْأَرْضِ»، تجاوز می‌کنند.

در کاشان می‌گویند خدا خر را شناخت، شاخ اش نداد. شما هم می‌گویید؟، یعنی اگر الاغ شاخ داشته باشد، مثلاً واقعا اگر شتر آرام نبود، می‌شد یک قطار شتر را افسارش را بدهند دست یک بچه ببرد؟ دستورات خدا حکیمانه است. برای همین خداوند گفته است گوسفند را گردنش را ببر، ذبحش کن، اما شتر را نمی‌گوید گردنش را ذبح کن. مگر می‌شود شتر گردنش مثل تنه درخته، می‌شود برید؟ پدر قصابه و شتره با هم در می‌آید و لذا گفته شتر را نمی‌خواد گردنش را بری. این چاله هست توی گلوبیش یک سیخچه بز تمام است. چون این سیخچه، چاله نزدیک قلبش است می‌خوره به قلبش سریع خونش بیرون می‌یاد آزاد می‌شود.

اگر بنا بود مثلاً شتر هم که گردنش مثل تنه درخت است، خواسته باشیم گردنش را قطع کنیم اصلاً چقدر زجر می‌کشید، رم می‌کرد. هر کس می‌خواد شتر بکشد باید یک الم‌شنگ‌ای بود. اصلاً ولی خداوند این طور قرار داده. حالا که شتر بزرگترین حیوان است



رام ترین حیوان است. بزرگ ترین را رام ترین می کند تا ما بتوانیم ازش استفاده کنیم.

تمام کارهای خداوند حکیمانه است. چشم ما از پی است، پی زود خراب می شود جز این که توی آب نمک باشد ولذا اشک ما شور است. ابروی ما مشکلی است چرا چون نور خورشید وقتی می خواهد بخورد به چشم این ابروی مشکلی سایبان باشد، جلوی فشار نور را بگیرد.

هوا از بینی وارد می شود تا سه کار رویش انجام شود. غبارها گرفته شود توی بینی از طریق موها، هوای سرد توی لوله های بینی گرم شود، هوای خشک توی لوله ها تر شود. هوای خشک، تر شود، هوای سرد، گرم شود، هوای غبار، تصفیه شود. کارهای خداوند حکیمانه است. «وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِّيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سَخِرِيًّا»<sup>۱</sup>

آیه دیگر می خوانیم: و رفعا، ترکیبش را بلدید، رفع یعنی بالا برد. فلانی رفعت، «وَرَفَعْنَا» بالا بردیم «بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ». بعضی از شما را بالا قرار دادیم. یعنی اون سرهنگه، اون سرگرده. اون آیت الله است. اون طلبه، اون تاجر، اون کاسبه.

«وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ» این درجه ها را پایین و بالا کردیم. چرا؟ «بَعْضُهُمْ بَعْضًا سَخِرِيًّا»، تا همدیگر را تسخیر کنید. اگر همه نمره ۲۰ باشند، که زیر بار هم نمی روند آن موقع بخار را چکار می کردیم. بخار نان می خواست. هر کسی را خداوند یک چیزی اش داد، که اون نیاز اون یکی را برطرف کند، اون نیاز این یکی را برطرف کند. این به پزشک نیاز دارد، پزشک به شیشه بر، شیشه بر به آهنگر، آهنگر به واکسی، واکسی به حمامی، قرآن می گوید هر کسی را یکجایی قرار دادیم که همه تان محتاج بشوید. دور هم جمع شوید برای حل مشکلات خودتان یک زندگی اجتماعی تشکیل دهید.

### استعدادها مبنای تقسیم رزق

اگر همه استعداد و هوششان یکجور بود، اگر همه یکجور فکر می کردند و یک سلیقه داشتند، هیچ کس زیر بار دیگری نمی رفت. خوب، دلیل تفاوتها در رزق را برای بکار گرفتن دیگران [است]. اگر همه مردم رزقشان یکجور بود هیچکس زیر بار همدیگر نمی رفت. برای این که الان، شما حدیث بلدی، نمی دانی، اما نیازت به من است، من هم در و پنجره می خواهم نیازم به بخاره، هر دومون نیازمون به دکتر است، دکتر نیازش به نانوا، پس این تفاوتها بخاطر این که زیر بار همدیگر برویم، این یک!

دو، برای جلوگیری از طغیان. حالا آیه اش را هم اگر می خواهید بنویسید این است که قرآن می فرماید «وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ»، «رَفَعْنَا»، بالا بردیم بعضی از شما را فوق بعضی، بعضی را «فَوْقَ بَعْضٍ»، قرار دادیم. چرا؟ «لِّيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سَخِرِيًّا»، برای این که یکدیگر را سخری یعنی مسخر، «سَخِرِيًّا»، تفاوت قرار دادیم تا همدیگر را تسخیر کنید، من شما را

تسخیر کنم، شما مرا تسخیر کنید، یعنی بخاطر این که من نیاز دارم به شما، شما را بیاورم زیر پرچم خودم، شما هم نیاز داری به من جا بدهی، حالا آیه دوم هم که گفتیم «وَلَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِي الْأَرْضِ»، این «لَبَغَوْا فِي الْأَرْضِ»، یعنی اگر بسط و گسترش بدهد، رزق را «لِعِبَادِهِ» برای بندگان خودش، «لَبَغَوْا»، تجاوز می کنند.

همان که اگر خدا خر را شناخت شاخش نداد. گاهی بخاطر تلاش یا تنبلی خود مردم است. چون قرآن گفته که «فَأَمْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا»<sup>۱</sup> پا شوید بروید دنبال خرجی. یکی تلاش می کند، کار بیشتری اضافه کار می کند، شب کار می کند، روز کار می کند، تابستان و پولدار می شود، یکی کنار خیابان علاف است و عیاش، گاهی هم بخاطر کار خودمان است، گاهی بخاطر ایمان و تقواست یا گناه. قرآن می فرماید: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ». «آمَنُوا» را بلدید یعنی چه «آمَنُوا» ایمان دارند. «وَ اتَّقَوْا»، تقوی دارند.

یعنی بخاطر ایمان «وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ»<sup>۲</sup>، برکات را رویشان باز می کنیم. پس گاهی هم مثلاً نماز باران می خوانند باران می آید. در همین قم، نه شما بودید نه من حدود ۴۰ سال پیش یا بیشتر آیت العظمی خوانساری که قبرش توی حرم حضرت معصومه، مسجد بالا سر، سه چهار تا قبر بلند هست یکیش مال آیت العظمی است. مدت‌ها باران نیامد، مردم، جمع شدند با ایشان رفتند خاک فرج، یک نمازی خواندند. آن زمان انگلیسی‌ها اینجا مستقر بودند، پایگاه داشتند، گفتند اینها کجا می روند، راهپیمایی می کنند. گفتند می روند نماز باران بخوانند. یکی از این انگلیسی‌ها گفت نه، اینها می روند نماز برف بخوانند. برف هم می آید رو سر خودشان، عمامه سفیدها، می گفت: اینها نماز برف می خوانند برف هم می آید رو سر خودشان، متلک گفت، نماز باران که تمام شد یک بارانی آمد که چندین ماه باران نیامده بود. همه تعجب کردند. اصلاً آیت الله خوانساری مرجع بود، اما بخاطر نماز باران مشهور شد. مثل امام خمینی، مرجع بود بخاطر انقلابش توی دنیا معروف شد.

### میزان رزق تحت تاثیر ایمان و گناه

ایمان، آقا افرادی هستند خداوند رزق را قسمتشان کرده. منتهی ایشان گناه می کنند خداوند رزقش را کم می کند. خوب، گاهی بخاطر مثلاً این که می گوید گناه. آیه اش این است: «فَبَطَّلُوا مِنَ الَّذِينَ هَادُوا حَرَمَنَا»<sup>۳</sup> چون یهودیها ظلم می کردند، حرمان، بر آنها حرام کردیم فلان چیز را. گاهی انسان یک کاری می کند در محاصره اقتصادی قرار می گیرد.

راجع به تنبلی و زنگی هم یک آیه می خوانم. مثلاً راجع به تنبلی: قَالَ الصَّادِقُ ع: «نَوْمَةُ الْعِدَاةِ مَشْوَمَةٌ تَطْرُقُ الرِّزْقَ»<sup>۴</sup> کسی که اگر بین طلوعین بخوابد، یعنی صبح زود دنبال کار نرود، رزقش کم می شود.

۱. ملک/۱۵

۲. اعراف/۹۶

۳. نساء/۱۶۰

۴. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۵۰۲





ا[رخصوص] نیت بد حدیث داریم: امام صادق ع: «إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيَنْوِي الدَّنْبَ فَيُحْرِمُ الرَّزْقَ»<sup>۱</sup>. گاهی. قتها انسان می گوید بروم بگیرمش یک کتکش بزنم. بیا این عکس خوبیه، فتوکبی بگیریم آبرویش را بریزیم، بیا این را سر بسرش بگذاریم. حدیث داریم افرادی که تو دلشان نیت بد کنند، خدا اینها را محروم می کند یا رزق را ازشان کم می کند.

وقتی هم رزق کم شد دیگر به حرام نیفتید. حدیث داریم: حضرت محمد ص: «وَلَا يَحْمِلَنَّكُمْ اسْتِبْطَاءُ شَيْءٍ مِنَ الرَّزْقِ أَنْ تَطْلُبُوهُ بِشَيْءٍ مِنْ مَعْصِيَةِ اللَّهِ»<sup>۲</sup>. اگر رزق کم شد به گناه نیفتید. امتحان است. با زندگی حداقل صبر کنید، ولی دستپاچه نشوید. برای اینکه آدم دنبال کار برود و زرتک باشد روایاتی داریم. اما آیانی که در قرآن داریم می گوید دنبال نان بروید: «فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا»

قرآن می گوید من آفرینش خلق کردم، فمشوا فی مراتبها، پا شوید بروید روی کره زمین سوار شوید و از زمین چیز دربیاورید. «فَانْتَشَرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ»<sup>۳</sup>، «فَانْتَشَرُوا فِي الْأَرْضِ»، پا شوید در زمین منتشر شوید «وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ»، از فضل خدا کار، یعنی پاشید دنبال کشت، دنبال تجارت بروید، آیات و روایات در این زمینه زیاد است. در مقابل رزق ما یک مسئولیتی داریم، یک پار دیگر آیه را بخوانید: «إِنَّ رَبَّكَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَ يَقْدِرُ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا» در قرآن برای رزق صفات آمده، مثلاً یک آیه داریم: «رِزْقًا حَسَنًا»<sup>۴</sup>، رزق خوب، یک آیه داریم رزق کریم «رِزْقًا كَرِيمًا»<sup>۵</sup>، یک آیه داریم رزق مبارک، گاهی وقتها رزق هست ولی کریم نیست، برکت ندارد. یعنی چه؟ یعنی چه جور بگویم؟ مثلاً از روزی که ماشین خریده، همه‌اش می رود بیمارستان و میاد، از وقتی که خانه را ساخت همه‌اش توی دکتر و آمپول زن میاد و میره. بنابراین قرآن هر جا می گه بچه، نمی گه خدا بچه بده، می گه «ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً»<sup>۶</sup> بچه صالح، «غُلَامًا زَكِيًّا»<sup>۷</sup>، هر جا می گوید رزق می گوید «أَيُّهَا أَزْكَى طَعَامًا»<sup>۸</sup>، رزق حلال رزق مبارک، خیلی‌ها عمر هم دارند، ۶۰ یا ۸۰ یا ۹۰ سال عمی می کنند، هیچ یادگاری از خود ندارند، نه اولاد صالحی، نه کتاب خوبی، نه وقف خوبی، هیچ، هیچ، همین طور کیلویی آمد و کیلویی رفت، دو کیلو متولد شد، نود کیلو رفت توی قبر، یعنی بود و نبودش فرقی نکرد، و حال آنکه حدیث داریم: آدم حسابی آن است که وقتی می میرد، جایش خالی باشد. «تِلْمٌ فِي الْإِسْلَامِ ثَلْمَةٌ لَا يَسُدُّهَا شَيْءٌ»<sup>۹</sup>، مثلاً من نباشم چی می شود.

۱. بحار الأنوار، ج ۷۰، ص ۳۵۸

۲. کافی، ج ۵، ص ۸۰

۳. جمعه/ ۱۰

۴. هود/ ۸۸

۵. احزاب/ ۳۱

۶. آل عمران/ ۳۸

۷. مریم/ ۱۹

۸. کهف/ ۱۹

۹. کافی، ج ۱، ص ۳۸

هیچ هیچ، شما نباشی چی می‌شه؟ فکر کن اگر نباشی چی می‌شه؟ آدم باید چهل کار کلیدی بکند، چنان آدم بابرکتی باشد که وقتی نیست بگویند نیست، نه این که حالا بودش بود، نبود هم نبود. در دعاها رزق کریم، رزق مبارک، سراغش بروید. از اول زندگی، شماها جوانید، از اول زندگی سعی کنید قلمه حلال بخورید. اگر یک چیزی را قانون گفته بود بدهید، حالا که چی زرنگ بازی کنید، اقا پول بدهید اداره دارایی، بگین این پولها را بگیر، این دو میلیون را، و این مالیات را کم کن. کلاه سر کی می‌گذاری؟ دولت مال کجاست؟ دولت مال ده‌ها میلیون جمعیت که رأی دادند گفتند اینها مسئول مملکتی، ایشون هم رهبر، ایشون رئیس جمهور، ایشون هم نماینده مجلس، مجلسی‌ها هم که شما مردم بهش رأی دادید گفتید آقا، هر کی مثلاً اینقدر درآمد دارد، اینقدر مالیات بدهد حالا شما تیزبازی می‌کنید. یک کارمند اداره دارایی را می‌بینید، یک کارمند اداره شهرداری را می‌بینید، مثلاً با یک خرده رشوه پایین و بالا می‌کنید، کلاه سر کی می‌گذاری؟ اگر خدا خواسته باشد تنگ بگیرد که، یک چیزی برایتان بخوانم، حدیث داریم افرادی که خمس نمی‌دهند، سهم امام نمی‌دهند، یک میلیون داری خب دویست هزار تومن را بده، میگن نه من نمی‌دم، امام کاظم فرمودند کسی که مال حلال را وقتی گفتند بده نداد، خداوند یه جوری برایش در زندگی پیش می‌آورد که دو برابرش را در راه حرام خرج کند. می‌گوید اینجا دویست تومان ندادی حالا اینجا چهارصد تومان خرج کن. حدیث داریم کسانی که حق حلال را ندهند خداوند چنان زندگیشان را تنظیم کند که دو برابر آن مقدار که باید در راه حلال بدهند در راه حرام و باطل خرج می‌کنند. چوب هم می‌خورند. وظیفه ما این است که اگر یکی رزقش خوب است، حسد بهش نوزیم. چطور این دارد ما نداریم. خب خدا یک چیزهایی به تو داده، شکل او بهتره، هوش تو بهتره، خط تو بهتره، خط او بهتره صدای تو بهتره، صدای او بهتره، پدر و مادر تو بهتره، پدر و مادر او بهتره نمی‌دانم.

امیرالمؤمنین در نهج البلاغه می‌فرماید خداوند همه گوشت‌های لخم را به یکی نداده، همه دنبه‌های را به یکی، همه استخوان‌ها را به یکی، «ثُمَّ قَرَنَ بَسْعَتَهَا عَقَابِلَ فَاقْتَبَاهَا»<sup>۱</sup>، کنار گشایش‌ها، تنگناها، کنار گل‌ها تیغ‌ها، قد بلند همت کوتاه، بیان نرم دل سنگ، یعنی اگر بیانش نرم است قلبش سنگ است. اگر قدش بلند است همتش کوتاه است.

بعضی رزق‌ها «مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ»<sup>۲</sup> است. قرآن می‌گوید اگر شما تقوا داشته باشید از راهی که باور نمی‌کردید خدا یک چیزی قسمتتان می‌کند «مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ». آیه قرآن است کسی تقوا داشته باشد «مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ» یعنی از راهی که برنامه نریخته، از جایی که پیش بینی نمی‌کرده خدا یک چیزهایی قسمتش می‌کنه. باور هم نمی‌کند که خدا یک همچین چیزی قسمتش کند. فقط باید تقوی داشت. کلید رزق دوتاست، یک کلید، کار و تلاش و یک کلید، ایمان و تقوی. هیچکدام هم کار همدیگر را نمی‌کند. کسی مریض شد توی خانه مثل این که یکی از انبیاء بود. حضرت موسی بود. بنظرم، مریض شد نرفت

۱. نهج البلاغه، خطبه ۹۱

۲. طلاق/۳



